

## مستشار مالیه (اسنادی از سیدنی آرمیتاژ اسمیت)

جلال فرمند

Farahmand@iichs.org

از فرزندان میرزا ابراهیم معتمد السلطنه<sup>۱</sup> دو نفر مشهور شدند: وثوق الدوله و قوام السلطنه، دو فرزندی که از کودکی در دربار قاجار نشو و نما یافتند، سلسله مراتب اداری را با پشتیبانی پدر خود طی کردند، از دست ناصرالدین شاه لقب و خلعت گرفتند، پس از پیروزی نهضت مشروطیت به مقامات عالی حکومتی، و از جمله وزارت، رسیدند.

قوام السلطنه دولتش تا آخر دهه اول سلطنت محمدرضا پهلوی دوام آورد؛ ولی چراغ عمر سیاسی وثوق الدوله با آغاز سلطنت خاندان پهلوی به خاموشی گرایید. نام این دو برادر با دو قرارداد بدفترجام پیوند خورده است. وثوق الدوله با قرارداد

۱. میرزا ابراهیم مستوفی (معتمد السلطنه) پسر میرزا محمد قوام الدوله آشتیانی و شوهر خواهر میرزا علی خان امین الملک بود که پس از فوت مادر وثوق الدوله، قوام السلطنه، با سلطنت خانم دختر بدیع الملک میرزا عماد الدوله ازدواج نمود. میرزا ابراهیم از زمانی که پدرش سمت وزارت محاسبات را داشت، از مستوفیان دفتر استیفاء بود. در سال ۱۳۰۴ ق به لقب معتمد السلطنه ملقب گردید و مدتها، یعنی از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۹ ق مستوفی آذربایجان بود. در سال ۱۳۰۹ ق جزو وزراء دربار اعظم (مجلس شورای دولتی) شده بود و نخل استیفاءی خود را به پسر بزرگش میرزا حسن خان (وثوق الدوله) واگذار کرد. نامبرده از این تاریخ محاسب آذربایجان شد. در سال ۱۳۱۸ ق که ملک منصور میرزا شجاع السلطنه پسر دوم مظفرالدین شاه حاکم فارس شد معتمد السلطنه به وزارت و پیشکاری او منصوب گردید.  
مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۳، ۱۴ هجری، تهران، زوار، ۱۳۵۷، ج ۱، صص ۲۸-۲۹.

۱۹۱۹ و قوام السلطنه با قرارداد اعطای امتیاز نفت شمان به شوروی، دو قرارداد دادی که، در نبود مجلس شورای ملی در آن مقطع زمانی، از وجاهت قانونی برخوردار نبودند؛ ولی در جای خود پیامدهایشان در کشور نمایان شد، خصوصاً قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله با دولت بریتانیا، به ویژه آنکه بریتانیای آن سالها یک‌هزار عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران و حتی جهان بود. وثوق الدوله عامل اصلی و طرف ایرانی قرارداد بود. زندگی سیاسی وی طولانی و پرفراز و فرود است. اولین شغل وی استیفای آذربایجان و گرفتن لقب وثوق الدوله به فرمان ناصرالدین شاه است. اوج کارهای دولتی وی با پیروزی مشروطه آغاز شد. با افتتاح مجلس اول شورای ملی به نمایندگی از سوی تجار به مجلس راه یافت. پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه عضو «هیئت‌مدیره موقت» در شمس‌العماره بود؛ همان هیئت‌مدیره‌ای که محمدعلی شاه را به اروپا تبعید و شیخ فضل‌الله را بر دار کرد.

در ادامه کارنامه شغلیش مناصبی چون: اولین وزیر عدلیه پس از فتح تهران، وزارت خارجه و وزارت دارایی دیده می‌شود. در سال ۱۲۹۵ ش اولین دوره نخست‌وزیری وثوق الدوله آغاز شد؛ ولی این دوره سالی پیش دوام نیاورد.<sup>۲</sup> پس از آن، وزیر معارف شد. دومین دوره نخست‌وزیریش بسیار حساس بود. در این دوره، بنا بر تمایل انگلیسیها، وی بر مستند نخست‌وزیری نشست.<sup>۳</sup> برای این امر، موافقت خاص احمدشاه با حقوق ماهانه معادل ۱۵ هزار تومان جلب شد؛ به عبارت دیگر، احمدشاه با مبلغی اندک مهم‌ترین رکن مشروطه را به دولت انگلیس واگذار کرد.<sup>۴</sup> این امر زمینه‌ساز امضای

۲. این ریاست‌الوزاری از هفدهم مرداد ۱۲۹۵ شروع شد و تا ششم خرداد ۱۲۹۶ ش به طول انجامید. دوتهای ایوان از میرزا نصرالله خان شیرالدوله تا میرحسین موسوی. تهیه و تنظیم: اداره کل آرشيو، اسناد و موزه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۹۵.

۳. دومین دوره ریاست‌الوزاری وثوق الدوله از یازدهم مرداد ۱۲۹۷ تا سوم تیر ۱۲۹۹ به طول انجامید. در این کابینه اشخاصی چون نصرت‌الدوله به وزارت امور خارجه، صارم‌الدوله، مشاورالملک، نصرالله خان اعتلا، الملک به وزارت مالیه و نصرت‌الدوله فیروز به وزارت عدلیه منصوب شدند. (همان، ص ۱۰۵).

۴. این امر یکی از زشت‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر ایران است. هنگام عقد قرارداد ۱۹۱۹ احمدشاه، که جهت حمایت از کابینه وثوق الدوله ۱۵ هزار تومان می‌گرفت، خواستار آن شد که در هر شرایطی این مبلغ مادام‌العمر به وی پرداخت شود. این درخواست حتی موجب تمجیب مقامات بریتانیایی شد. در این زمینه تلگرافهای متعددی بین کاکس وزیر مختار انگلیس و لرد کرزن کنسول وزارت خارجه همان کشور رد و بدل شد. اولی اصرار بر ادامه این مقرری داشت و کرزن که اطلاعاتی از سابقه این مقرری نداشت درخواست قطع آن را



احمد قوام و برادرش حسن وثوق [۱۲۲۳-۱۳۰۱ع]

می‌کرد. کاکس در یکی از این تلگرافها برای رفع شبهه کزرن به وی می‌نویسد:

اگر مضمون تلگرافهایی را که در این زمینه رد و بدل شده است به دقت مطالعه فرمایید خواهید دید که اختلاف نظر میان وزارت خارجه ما و حکومت ایران بیشتر روی پرداخت مادام‌العمر این مقرری به شاه بوده است، وگرنه پرداخت مقرری فعلی (به مأخذ پانزده هزار تومان) هیچ‌گونه ارتباطی به امضا شدن قرارداد ندارد. در تاریخی که دولت بریتانیا پرداخت این مقرری را برعهده گرفت، کاردار آن روز سفارت ما، در تهران، سر چارلز مارلینگ، رسماً اعلام داشت که این مبلغ هتا موقعی که شاه وثوق‌الدوله را بر سر کار نگاه دارد و صمیمانه از او حمایت کند به معظم‌له پرداخت خواهد شد... با توجه به این سابق است که من در حال حاضر نیز مقرری ماهیانه شاه را به طور منظم می‌پردازم. در سرتاسر مکانیاتی که در این زمینه با معظم‌له رد و بدل کرده‌ایم کوچک‌ترین اشاره‌ای به این موضوع نشده است که مقرری شاه پس از امضا شدن قرارداد باید قطع شود. شرط اصلی ما، در این قول و قرار، این بوده که مقرری مذکور، تا موقعی که وثوق‌الدوله بر سر کار است، باید به شاه پرداخت گردد و اگر حالا که قرارداد امضا شده و وثوق‌الدوله نیز کماکان بر سر کار است، پرداخت مبلغ معهود را قطع کنیم، عملمان نوعی نیرنگ و نقض قول صریح تلقی خواهد شد. (استاد محرم‌نامه وزارت خارجه بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیسی. ترجمهٔ جواد شیخ‌الاسلامی. تهران، کیهان، ۱۳۶۵. ج ۱، صص ۲۷-۳۸).

قرارداد ۱۹۱۹ بود. برای درک چگونگی و چرایی امضای این قرارداد باید اوضاع بحرانی ایران و جهان آن روز را بررسی کرد:

یک سال پیش نبود که جنگ جهانی اول به پایان رسیده بود. متحدین، که شامل اتریش، آلمان و عثمانی بودند، با پذیرش شکست در این جنگ از بسیاری از منافع خود در مناطق مختلف جهان محروم شده بودند که از آن جمله، ایران بود. عثمانی، که زمانی مرزی طولانی با ایران داشت، از درون دچار بحران بود، بریتانیا بر منطقه بین‌النهرین و کرانه‌های شرقی مدیترانه سلطه پیدا کرده بود. در واقع، ایران از غرب و شرق و جنوب با انگلیس همسایه شده بود. در جبهه متفقین، آمریکا پس از پایان جنگ به سیاست عزلت و گوشه‌نشینی خود ادامه می‌داد و تنها به نفوذ در قاره آمریکا بسنده کرده بود. از همه بدتر، وضعیت دولت تزاری بود. روسیه، یک سال پیش از پایان جنگ، با تحریک آلمانیها گرفتار جنگ داخلی شده و با پیروزی بلشویکها دولت مرکزی آن ساقط گردیده بود. حکومت بلشویکی تا مدتها فقط در حال تثبیت وضعیت داخلی خود بود. بدین جهت، چندان توجهی به کشورهای پیرامون خود، که زمانی در سرلوحه استعمار حکومت تزاری قرار داشتند، نمی‌کرد. روسهای سفید یا همان بازماندگان طرفدار سلطنت در قسمتهایی از این سرزمین پهناور، به کمک دول غربی و خصوصاً بریتانیا، در حال مقاومت در مقابل بلشویکها بودند. در این میان، انگلستان همسایه سه طرفه ایران بی‌رقیب می‌نمود؛ ولی به ادامه این امر نمی‌شد چندان خوش بین بود. زیر بخش قابل ملاحظه‌ای از بارگران جنگ جهانی اول، که صدها میلیارد دلار هزینه و صدها هزار کشته برای این کشور داشت، بر دوش آن سنگینی می‌کرد. هر چند که دولت استعمارگر بریتانیا بر بسیاری از مستعمرات آلمان و عثمانی دست‌اندازی کرده و بر آنها مسلط شده بود و می‌توانست از آنجا هزینه‌های خود را بردارد ولی حتی این مناطق نیز نابسامان بود و برای آرامش و استفاده از منابع آن کشورها می‌بایستی هزینه‌های گزافی پرداخت شود. به عنوان نمونه، منطقه بین‌النهرین از مناطق ناآرام و پر جوش و خروشی بود که بسیاری از نظامیان انگلیسی را زمینگیر کرده بود. با توجه به درهم ریختگی نقشه خاورمیانه و معادلات این منطقه، بریتانیا را «سیاستی دگر آمده بود». وضع ایران، به عنوان تنها کشور مستقل منطقه، بسیار بغرنج می‌نمود. هرج و مرج داخلی، گردنکشی برخی از قبایل و افراد در مناطق مختلف، بیماری و قحطی، که ثمره جنگ بود، در ایران غوغایی به راه انداخته بود. از سوی دیگر، حضور زمامداران نالایق، که هر چند گاه بر مسند زمامداری

تکیه می‌زدند، بر این هرج و مرج می‌افزود.

در این بین، آنچه که می‌توانست در آینده نزدیک معادلات منطقه‌ای را بر هم ریزد، و بریتانیا نیز به آن پی برده بود، آرام شدن روسیه و قدرت گرفتن مجدد حکومت مرکزی آن بود. این پیش‌بینی سالی بعد محقق شد و شورویها به مرزهای سابق حکومت تزاری رسیدند. تسخیر سریع و پی در پی مناطق تحت نفوذ روسهای سفید به وسیله بلشویکها، حاکی از تشکیل مجدد امپراتوری سابق بود. آخرین نیروهای مدافع سلطنت تزاری در شمال ایران مستقر شده و تنها نیروی حائل بین بلشویکها و انگلیسیها بودند. بریتانیا این خطر را نیک دریافته بود و حتی می‌دانست که با نیروهای اندک خود و با توجه به دور بودن از مراکز عمده خود در هند و پخش شدن و عدم تمرکز نظامیان در مناطق مختلف خاورمیانه توان مقابله با یک یورش سرتاسری را نخواهند داشت. از این رو، در فکر ساماندهی دولت ایران و تشکیل ارتشی قدرتمند، البته تحت نظم فرماندهان انگلیسی، بود.

در این میان، بلشویکها نیز که دارای تجربه سیاسی نیز می‌شدند به استفاده از ابزارهای سیاسی روی آوردند. پس از اشغال مقر دیپلماسی حکومت تزاری، اسناد بسیاری از قول و قرارهای حکومت پیشین با بریتانیا به دست انقلابیون افتاد. این قراردادها می‌توانست بزننده‌ترین حربه بلشویکها برای تحریک مردم و زمینگیر شدن انگلیس باشد. در اولین افشاگری بلشویکها، افشای معاملات پشت پرده قرارداد ۱۹۰۷ بود. البته ضمائم آن قرارداد که سالها بعد بسته شد، فراتر از آن بود که ایرانیان می‌دانستند. در ضمائم آن آمده بود که منطقه بیطرف منظور شده در ۱۹۰۷ به طرف انگلیسی داده شود؛ و در عوض، روسها استانبول و بغازها را اشغال کنند (البته این قرارداد جدید در بحبوحه جنگ جهانی اول بسته شده بود).

لرد کرزن، در گزارش تاریخی خود به کابینه لوید جرج به تبعات قرارداد ۱۹۰۷ و پس از آن می‌پردازد و می‌نویسد:

موقمی که جنگ شروع شد وضع ایران به طور خلاصه از این قرار بود: دستهای خود ما را قرارداد بدقرجام ۱۹۰۷، که با روسیه داشتیم، بسته بود و آزادی عملمان در این قسمت از جهان بی‌نهایت محدود بود. این قرارداد، با اینکه هدف اصلی‌اش این بود که به اختلافات و منازعات دیرین روس و انگلیس در ایران خاتمه دهد و ثبات تشکیلات ایران را - به نحوی که در آن تاریخ موجود بود - تضمین کند،

مع الوصف، در سرتاسر دوران اعتبارش، از طرف دولت و ملت ایران با نظر خصوصت تلقی شد و روسها نیز؛ در عمل، آن را وسیله‌ای برای تحکیم حلقه فشار خود در مناطق شمالی ایران قرار دادند. در نتیجه، هنگامی که مخاصمات بین‌المللی و جنگ جهانی آغاز شد و ما برای پیشرفت هدف مشترک در مسلک متفقان روسیه در آمدم، بد رفتاری و سوءنیت روسها که باعث تحریک احساسات خصمانه ایرانیان نسبت به روسیه شده بود عملاً دامنگیر ما هم شده؛ زیرا بریتانیای کبیر در چشم آنها یار و همدست روسها شمرده می‌شد. ایرانیان این‌طور فکر می‌کردند که ما از هرگونه سیاست روسها و هر نوع رفتار آنها در ایران پشتیبانی می‌کنیم و به حکم این وحدت منافع که با روسیه پیدا کرده‌ایم، نسبت به تمام آرزوها و مقاصد ملی ایرانیان به چشم خصوصت می‌نگریم.<sup>۵</sup>

لرد کرزن<sup>۶</sup> تا حدی درست می‌گفت ولی نه کاملاً. هر چند ممکن است ایرانیان به علت سیاست پرخشونت و آشکارتر روسها، نفرت بیشتری از آنان داشته باشند ولی این نفرت در مورد انگلیسیها چندان کمتر نبود. دلیل آن کاملاً آشکار است. در غیبت کامل روسها، یار دیرینه آنان سهم روسها را بلعیده بود. ایران آن روز کاملاً تحت اشغال نیروهای نظامی انگلیسی بود. تنها نیروی نظامی ایران که ظاهراً مستقل می‌نمود نیروی قزاق بود که فرمانده روس آن، یعنی استاروسلسکی، با سقوط نظام تزاری روسیه در بلا تکلیفی به سر می‌برد حتی بریتانیاییها در صدد برکناری وی بودند. با آمدن لرد کرزن بر سر مهم‌ترین وزارتخانه بریتانیا، یعنی وزارت خارجه، توجه آنان بیش از پیش به سری منطقه معطوف شد. وی، با توجه به حضور طولانی در هندوستان و

۵. همان، صص ۲۴-۲۵.

۶. لرد کرزن (Lord George Nathaniel Curzon) متولد ۱۸۵۹م و فارغ‌التحصیل دانشگاه آکسفورد انگلستان. از سیاست‌پیشگان و رجال معروف بیست و پنج سال اول قرن بیستم در بریتانیا بود. وی مدت هفت سال فرمانفرمایی و نیابت سلطنت در هندوستان را بر عهده داشت و از آغاز سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ وزیر امور خارجه بود. یکی از مهم‌ترین کتابهای وی کتاب ایران و قضیه ایران است که نشان‌دهنده اطلاعات کامل وی درباره منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. وی در محافل سیاسی به عنوان یک صاحب‌نظر در امور ایران و هندوستان شناخته می‌شد و برای امنیت ایران، و خاصه مناطق جنوبی آن، از منظر منافع بازرگانی و اقتصادی انگلیس در هندوستان اهمیت ویژه‌ای قائل بود. وی به سال ۱۹۲۵ درگذشت.  
(برگرفته از: هارولد نیکلسن. آخرین سالهای زندگی سیاسی لرد کرزن ۱۹۱۹-۱۹۲۵). ترجمه اصغر فراگروزلو. تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.



جمعی از اعضای کابینه حسن وثوق به اتفاق محمدحسن میرزا ولیعهد  
از راست: جان محمد امیرعلایی، غلامعلی عزیزالسلطان، فتح‌الله رشتی، محمدحسن  
میرزا قاجار، حسن وثوق‌الدوله، مقرر میرزا موثق‌الدوله و مسعوداکبر (صارم‌الدوله) [۵۳۴-۴م]

سفرهای متعددش به ایران و خلیج فارس، به اهمیت این منطقه پی برده بود و طبیعتاً در این سالها که دستی در سیاست کلان انگلیس یافت نظری خاص به این منطقه نشان داد. لرد کرزن برای مهم‌ترین قسمت این منطقه، یعنی ایران، مأمور کهنه‌کار خود سرپرسی کاکس<sup>۷</sup> را انتخاب کرد. وی سابقه‌ای طولانی در ایران و منطقه داشت. بدین لحاظ، اطلاعات و تجربه کامل وی می‌توانست کمک زیادی به اهداف کشور متبوعش نماید. دوره ده ساله حضورش به عنوان نماینده مقیم دولت بریتانیا در

۷. سرلنکر سرپرسی زاخاریا (زکریا) کاکس (Cox, Major-General Sir Percy Zachariah) متولد ۲۰ نوامبر ۱۸۶۴ و متوفی ۲۰ فوریه ۱۹۳۷. مشاغل وی عبارت بودند از: کفیل سرکنسولگری بوشهر از اول ژوئن ۱۹۰۲. نماینده سیاسی مقیم در خلیج فارس و سرکنسول بوشهر از هفتم ژانویه ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۸. وی در این سالها بارها به بین‌النهرین رفت و با ارتش انگلیس مأمورینهای بسیار انجام داد و سرانجام، وزیر مختار موقت در تهران از ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۸ تا اول ژوئیه ۱۹۱۹ شد. (لویی رابینو. دیشانها و کنسولهای ایران و انگلیس. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۸۱).



خلیج فارس از وی فردی کارگشته و مسلط به امور منطقه ساخته بود. پشتیبانی فردی قدرتمندی چون کرزن نیز بر قدرت او می‌افزود. وی در زمان حضور خود در منطقه، مثلث اتحادی از شیوخ منطقه یعنی شیخ خزعل، شیخ مبارک امیرکویت و امیر عبدالعزیز ابن سعود حاکم حجاز ایجاد کرد، اتحادی که بعدها بر ضد عثمانی تبدیل شد. پس این فرد بهترین گزینه برای اجرای قراردادی بود که می‌توانست آمال انگلیس را در طولانی مدت تأمین کند. نویسندگان ایرانی از این فرستاده جدید به خوبی یاد نمی‌کنند و خاطرات بر جای مانده حاکی از نارضایتی عمومی مردم ایران از این شخص است:

... دولت بریتانیا برای انجام مقصودی که در نظر داشت وزیر مختار خود را در تهران تغییر داد و جای او را به یک مأمور لشکری تندخو سپرد. این شخص که کسوت نظامی خود را موقتاً از تن درآورده بود و لباس کشوری پوشیده بود سر پرسى کاکس نام داشت و پس از رسیدن به تهران درست مثل یک حاکم مقتدر نظامی، که مأمور باشد ایران را مانند یکی از مستعمرات انگلیس اداره کند، شروع به رتق و فتق امور کرد. وزیر مختار جدید از پشت میز کارش در سفارت انگلیس به تمام کارهای کشور مداخله می‌کرد و صریح و بی‌پروا به رجال ایران می‌گفت: حال که ما با شکست دادن آلمان و روسیه، توانسته‌ایم استقلال شما را نجات دهیم، حرف زیادی را باید موقوف کنید و هر آنچه را که می‌گوییم، بی‌کم و کاست، به کار بندید...<sup>۸</sup>

هر چند این جملات غلوآمیز به نظر می‌رسد ولی عملاً قرارداد ۱۹۱۹ دارای چنین بار معنایی بود. قبل از آمدن گروه جدید سفارت انگلیس به ایران، مقدمات کار چیده شده بود. با به سقوط کشیده شدن دولت نجفقلی خان صمصام‌السلطنه، میرزا حسن وثوق‌الدوله در رأس حکومت قرار گرفت. کرزن که از این امر و فراهم شدن زمینه اجرای نقشه‌اش به وجد آمده بود در ادامه گزارش خود به لوید جرج می‌نویسد:

یک سال قبل که ستاره اقبال ما درخشیدن گرفت و نشان داد که جنگ در میدانهای جنگ باختری به پایان موفقیت‌آمیزی نزدیک می‌شود و حتی به خود ایرانیان هم ثابت شد که دیگر امیدی به پیروزی آلمانها نیست، یکی از سیاستمداران برجسته ایرانی به نام وثوق‌الدوله، که همواره نسبت به منافع بریتانیا در ایران احساسات و خط مشی دوستانه داشته است، از طرف شاه مأمور تشکیل کابینه گردید. میان

۸ محمدجواد شیخ‌الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، تهران، نشر گفتمان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۵. (برگرفته از خاطرات حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی در کتاب حیات یحیی.)



همکاران او دو وزیر دیگر ایرانی بودند که هر دو، مثل خود نخست‌وزیر، عقیده داشتند که آتیه ایران فقط به اتکاء به قدرت انگلستان تضمین شدنی است. خود مقام سلطنت (اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار)، که عین این نظر را داشت، به طبع از وزرای سه‌گانه پشتیبانی می‌کرد. توأم با تشکیل کابینه جدید، ما نیز یکی از ما موران لایق و مجرب خود، سر پرسی کاکس، را به عنوان وزیر مختار بریتانیا در ایران انتخاب و به آن کشور گسیل کردیم. این شخص، که برای سالیان متمادی کمیسر مقیم بریتانیا در خلیج فارس بود، پیش از حرکت به ایران ارشد صاحب‌منصبان سیاسی ما در بین‌النهرین (عراق عرب) به شمار می‌رفت، با تعلیماتی به ایران گسیل شد که خلاصه‌اش نیل به توافقی رسمی با حکومت ایران بود. سر پرسی کاکس دستور داشت برای عقد قراردادی با ایران بکوشد که در نتیجه آن منافع آتی بریتانیا در این قسمت از جهان از برخورد با صعق‌ها و گزنده‌هایی از آن نوع که در سالهای اخیر به کرات با آن روبرو شده است محفوظ بماند. نیز می‌خواستیم شهر حمایت خود را بر فرق‌کشوری که مبتلا به ضعف علاج‌ناپذیر است و بدون تکیه بر عصای خارجی نمی‌تواند سر پا بایستد چنان بگسترانیم که این کشور بتواند استقلال و حاکمیت خود را میان کشورهای جهان حفظ کند. مذاکراتی که در عرض نه ماه گذشته در جریان بوده، و اکنون به نتیجه‌ای رضایت‌بخش رسیده، ثمره کوشش توأم حکومت ایران و سر پرسی کاکس بوده است.<sup>۹</sup>

جلسات کاری برای بستن قرارداد ۱۹۱۹ آغاز گردید. برای حفظ آرامش جامعه و نرسیدن اخبار به جراید تصمیم بر آن شد که این مذاکرات در منطقه دور از شهر برگزار شود. روستای «پس‌قلعه» در بند محیطی مناسب به نظر می‌آمد. محارم این جلسات، غیر از طرف انگلیسی: احمدشاه قاجار به طور غیرمستقیم، میرزا حسن وثوق‌الدوله، صارم‌الدوله، نصرت‌الدوله و میرزا علی‌خان منصورالملک رئیس اداره انگلیس بودند. جالب اینجاست که سید ضیاء‌الدین طباطبایی که در این زمان روزنامه‌نگاری جوان و حدوداً سی ساله بیش نبود به عنوان رابط اصلی بین سفارت و شخص نخست‌وزیر انتخاب شد؛ و جالب‌تر اینکه وی که هیچ سمت رسمی‌ای نداشت در تمام جلسات محرمانه حضور فعال داشت.<sup>۱۰</sup> شاید همین محرمانگی وی سبب آن شد که یک سال بعد

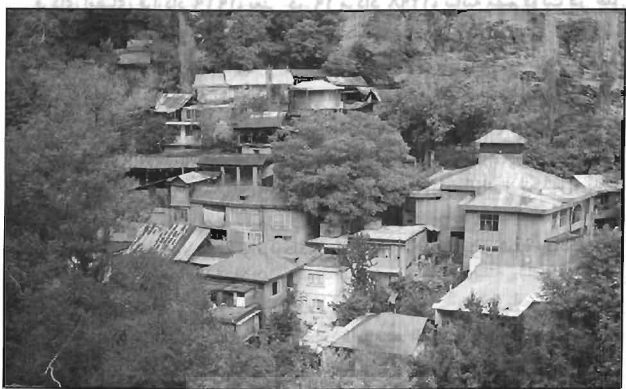
۹. استاد محرمات وزارت خارجه بریتانیا... همان، صص ۲۵-۲۶.

۱۰. محمدجواد شیخ‌الاسلامی، همان، صص ۲۰۲-۲۰۳.

رهبری شاخه سیاسی کودتای سوم حوت به وی سپرده شود. جلسات فشرده کاری این پیمان‌نامه در تابستان گرم آن سال در منطقه بیلاقی پس قلعه ادامه یافت تا اینکه پس از چانه‌زنی‌های فراوان سه نفر ایرانی طرف قرارداد یعنی وثوق‌الدوله، صارم‌الدوله و نصرت‌الدوله موجب آن شد که امضای نخست‌وزیر در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۲۹۸ برابر با نهم اوت ۱۹۱۹ در پای آن بنشینند. چانه‌زنی‌های این سه نفر نه برای حفظ منافع ایران بلکه برای منافع شخصی خودشان بود. یعنی آنان در ازای گرفتن رشوه‌ای چشمگیر حاضر به امضای قرارداد بودند. آش آنقدر شور شده بود که حتی صدای اعتراض سرپرسی کاکس نیز درآمد، به طوری که در تلگراف گله‌آمیزش به کرزن از دست این سه نفر می‌نالد:

حد اعلای موفقیتی که در این کار نصیب شد پایین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهارصد هزار تومان بود که معادل است با ۱۱/۱۹-۱۳۱/۱۴۷ لیره... از لحاظ رعایت انصاف این موضوع را باید محرمانه به اطلاع‌ناتان برسانم که، در قضیه مطالبه پول، خود وثوق‌الدوله آنقدر پافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر که حقیقتاً جانم را به لب آوردند. نخست‌وزیر چون احساس می‌کرد موقعیت سیاسی‌اش آن قدر قوی نیست که با این دو عضو مقتدر کابینه دربیفتد و آنها را از خود برنجانند، ناچار به نظرشان (که پول می‌خواستند) تسلیم شد.<sup>۱۱</sup>

غیر از مسئله پرداخت پول نقد به این سه نفر در حاشیه این قرارداد اسنادی مبادله شد که شاید از خود قرارداد بیشتر جلب توجه کند. البته این حواشی کاملاً محرمانه بودند و سالها بعد افشا شدند. این اسناد شامل نامه‌ای حاوی حمایت دولت فحیمه از سلطنت احمدشاه، مادام که بر وفق صوابدید دولت انگلیس در ایران عمل کند، دیگر تعهد مجدد کاکس مبنی بر پرداخت مقرری ماهیانه ۱۵ هزار تومانی به احمدشاه برای حمایت از کابینه و وثوق‌الدوله و جالب‌تر از همه دادن تعهد از سوی کاکس به سه نفر از حامیان انعقاد قرارداد مبنی بر اینکه این سه نفر چنانچه دچار مخاطراتی به علت امضای این قرارداد در ایران شوند می‌توانند به یکی از مستملکات بریتانیا رفته و به عنوان پناهنده سیاسی در آنجا زندگی کنند.<sup>۱۲</sup> این اسناد نشان می‌دهد که هم طرف ایرانی و هم طرف دیگر از اهمیت بازتاب این قرارداد و تبعات آینده آن آگاه بوده و عواقبش را پیش‌بینی می‌کردند. هر چند که موضوع رشوه گرفته شده از سوی وزرای ایرانی همان



روستای پس قلعه؛ مذاکرات مقدماتی قرارداد ۱۹۱۹ در این مکان انجام گرفت

زمان افشا شد. (البته افواهی و بدون ارائه سند) ولی سالهای بعد پس گرفتن این رشوه از این سه نفر به جنگالی بدل شد که سر و صدای زیاد و فضاحتی تمام به بار آورد. تقی زاده به سال ۱۳۰۳ در مأموریتی در لندن خاطره‌ای نقل می‌کند که جالب توجه است. وی در مراسم شامی در لندن در کنار سر پرسی لرن وزیر مختار وقت انگلیس در تهران نشسته بود. در این مهمانی وثوق الدوله نیز حضور داشت. هنگامی که لرن خطاب به تقی زاده ادعای خسارت‌های جنگ گذشته را از ایران می‌کند و تقی زاده جواب منفی می‌دهد، لرن مجدداً بحث را به رشوه‌های داده شده به طرف ایرانی امضاکننده قرارداد می‌کند و آن را مطالبه می‌کند و می‌گوید: حالا مطالبات زمان جنگ برکنار، اما راجع به آن پولهایی که به رجال عاقد قرارداد پرداخت شده چه می‌گویید؟ ما چهارصد هزار تومان به وثوق الدوله و نصرت الدوله و صارم الدوله داده‌ایم و اینک طلب خود را می‌خواهیم. گفتم مگر شما به دست دولت ما این پولها را داده‌اید که اکنون از دولت ما ادعای طلب می‌کنید؟...<sup>۱۳</sup>

۱۳. تقی زاده در جای دیگری از خاطرات خود می‌نویسد: بعد رضاشاه به سلطنت رسید، چند سال بعد که من

فردای امضای قرارداد ۱۹۱۹، یعنی در ۱۹ مرداد ۱۲۹۸، بیانیه مهم دولت در علل امضای این قرارداد منتشر می‌شود. وثوق‌الدوله در مقدمه‌ای طولانی، ضمن اشاره به وضعیت بحرانی کشور و نابسامانی موجود در اولین روزهای وزارت خود، این نتیجه را می‌گیرد که با این همه مشکلات چاره‌ای جز امضای این قرارداد نداشته است. و دولت می‌بایستی از کمکهای مستقیم دولت انگلیس بهره‌مند گردد؛ و ایجاد نظم در ادارات و امور نظامی جز با توسل به مستشاران و معلمان خارجی، و البته مطمئناً انگلیسی، امکان‌پذیر نخواهد بود. در کنار این اعلامیه، مفاد قرارداد اصلی ایران و انگلیس، بدون اشاره به مقاله‌نامه‌های جانبی آن، در روزنامه‌های آن روز ایران چاپ شد. ۱۴ تا حد امکان سعی شده بود صورت ظاهر قرارداد آبرومندانه و توهین‌آمیز نباشد، چنانکه دکتر شیخ‌الاسلامی می‌نویسد:

متن قرارداد ۱۹۱۹ طوری تنظیم شده بود که در نگاه اول هیچ‌گونه سوهنیت یا قصد و غرضی خاص، از آن استنباط نمی‌شود. ظاهر سند چیزی جز این نشان نمی‌دهد که دولت قखیمه بریتانیای کبیر با کمال «حسن‌نیت و بی‌غرضی» و با همان انگیزه «خدمت به نوع» که یکصد و پنجاه سال پیش راهگشای تسلطش بر هند گردید، این بار حاضر شده است که در نوسازی دستگاه ملی و اداری ایران به ایرانیان کمک کند و زمینه دفاع از استقلال و حاکمیت سیاسی این کشور را، به دست خود مردم کشور

→ وزیر دارایی‌اش بودم یک روز گفت: «این حرامزاده‌ها (مقصودش حضرات سه‌گانه بود) پول از انگلیسیها گرفته‌اند و باید به خزانه دولت برگردانند.» شاه در این تاریخ قدرتی داشت که هر کاری را اراده می‌کرد پیش می‌برد. خلاصه من مأمور شدم این را پس بگیرم و گرفتیم.

غلامحسین میرزا (برادر اکبرمیرزا صارم‌الدوله) آمد پیش من و گفت: «ما حاضریم پول را پس بدهیم ولی قدرت پرداخت آن را یکجا نداریم. اجازه بدهید به اقساط بپردازیم.» موافقت کردم و یکصد هزار تومان رشوه‌ای که صارم‌الدوله گرفته بود در چهار قسط پس دادند که کلاً به خزانه دولت ریختم. اما نصرت‌الدوله با ذکاء‌الملک رفیق بود به دست و پای او افتاد که این پول ندارم و چیزی نگرفته‌ام. و گذاشت و رفت پاریس. ولی چنانکه بعدها شنیدم تنبئاتش فایده نبخشید و از او هم آن یکصد هزار تومان رشوه‌ای را که از انگلیسیها گرفته بود پس گرفتند.

وثوق‌الدوله سرعمومی داشت به نام شکوه‌الملک که رئیس دفتر مخصوص رضاشاه و مردی بود بسیار خوب و نجیب. یک روز در دربار پیش رضاشاه بودم. موقع بیرون آمدن از اطاق شاه، شکوه‌الملک به من گفت: این حرامزاده (من وثوق‌الدوله) می‌گوید درست است که پول را گرفته‌ام، ولی جایی نرفته؛ همه‌اش را داده و از بانک طومانباناس املاک خریدم و حالا حاضر همه آن املاک را به دولت برگردانم. قبول نکردم و آن دویست هزار تومانی را که از انگلیسیها گرفته بود پس گرفتیم. (همان، صص ۳۲۶ و ۳۲۷)

۱۴. متن کامل اعلامیه در کتاب سیمای احمدشاه، صص ۲۱۴-۲۱۹ آمده است.

فراهم سازد. <sup>۱۴</sup> مستشاران مالی و اقتصادی در ایران، به موجب این قرارداد، از مستشاران عالی‌رتبه انگلیسی دعوت می‌کرد که در رأس تمام وزارتخانه‌های مهم ایران، مخصوصاً وزارتین جنگ و دارایی، قرار گیرند و وزرای ایرانی را تحت برنامه‌هایی که قرار بود زیر نظر همین مستشاران تنظیم شود به وظایف جدیدشان آشنا سازد.

برای به کار انداختن چرخهای فرسوده اقتصاد کشور، که با وضعی نابسامان ناشی از ورشکستگی مالی دولت روبه‌رو شده بود، حکومت «علیه حضرت پادشاه انگلستان» عهده‌دار می‌شد که در آغاز این دوره نوظهور - دوران نظام مستشاری - مبلغ شش میلیون تومان (به پول آن زمان) در اختیار دولت ایران و عملاً تحت اختیار همین مستشاران قرار دهد تا اصلاحات مورد نظر را در ارتش، دارایی، اقتصاد و خطوط ارتباطی کشور، بی‌وقفه، شروع کنند و سپس موقعی که وضع مالی کشور سر و سامان یافت «عطیه» دولت انگلستان را با ربح بانکی آن از عواید نفت جنوب یا از محل سایر درآمدهای ملی، مستهلک سازند.

ظاهر قرارداد، چنانکه می‌بینیم، چندان قابل ایراد نیست؛ اما نظر حقیقی را در کیفیت تفسیر قرارداد، در نحوه تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی آن و بالاخره در نیت باطنی طراحان و مجریان انگلیسی‌اش باید جست و جو کرد. فراموش نکنیم که حدود اختیارات این مستشاران را در متن قرارداد به عمد مسکوت گذاشته بودند تا در آتی پس از تصویب شدن قرارداد در مجلس و مستحکم شدن پایه‌های حکومت و ثوق الدوله، هر میزان قدرت اجرایی که لازم بود در اختیارشان قرار دهند.<sup>۱۵</sup>

هنوز چند روزی از امضای قرارداد نگذشته بود که احمدشاه، همراه با موکب خود، ایران را به قصد اروپا ترک کرد. و ثوق الدوله از این سفر شاهانه بسیار استفاده کرد. از یک سو احمدشاه را از ایران دور می‌کرد تا تحت تأثیر مخالفان قرار نگیرد و از سوی دیگر می‌توانست در نبود شاه به قلع و قمع مخالفان خود بپردازد چنانکه در اولین حرکت مخالفان مهمی چون ممتازالدوله، مستشارالدوله، ممتازالملک، محتشم السلطنه، معین‌التجار را دستگیر کرد تا صدای مخالفان را در نطفه خفه کند. حتی به آقایان علما نیز محرمانه پیغام فرستاد که حد خود را نگه دارند.

قلب تپنده آن روز علما و فعال‌ترین آنان مرحوم مدرس بود که نظر وی می‌توانست

نظر بسیاری دیگر از روشنفکران و فعالان و علما را تحت تأثیر قرار دهد. جالب اینجاست که وثوق الدوله برای فهمیدن نظر وی یکی از کارمندان عالی‌رتبه وزارت جنگ یعنی مورخ الدوله سپهر را، که دوستی نزدیک با مدرس داشت، پیش وی فرستاد. مدرس نیز که با زرنگی به نیت وثوق الدوله پی برده بود بدون اندک مسامحه‌ای به سپهر می‌گوید: وثوق الدوله مردی است بسیار جسور و متهور چون اگر جسارت نداشت مرتکب چنین خیانتی نمی‌شد؛ ولی تاریخ تکرار می‌شود. عبدالملک ابن مروان سی سال در خانه خدا معتکف بود و شب و روز به تلاوت قرآن اشتغال داشت. اما موقعی که خیر برایش آوردند که به جای پدرش (مروان حکم) خلیفه شده است، قرآن را بست و بوسید و کنار گذاشت و گفت «هذا فراق بینی و بینک» [بعدالمشرقین]. تا حالا رفیق و مصاحب بودیم و اکنون باید از هم جدا بشویم. بعد هم شهر مکه را آتش زد و به منجنیق بست! به هر صورت به وثوق الدوله از قول من بگویید: «من کار خودم را می‌کنم و شما هم کار خودتان را. لیکن من موفق می‌شوم و شما ضرر خواهید کرد. اگر قرارداد لغو شد شما همیشه متضرر، متغور و دور از صحنه سیاست خواهید ماند. اما اگر قرارداد عملی شد و به مرحله اجرا رسید آن وقت وجودتان دیگر نفعی به حال انگلیسیها نخواهد داشت و آنها شما را برای جلب رضایت ملت ایران فدا خواهند کرد.»<sup>۱۶</sup>

البته در آینده می‌بینیم که نظر مدرس درست از آب درآمد و وثوق الدوله تقریباً از صحنه سیاست ایران حذف شد. البته در داخل روزنامه‌نگاران و روشنفکران بسیاری به مخالفت با قرارداد پرداختند. شعرا شعرها سرودند و مقالات فراوانی در مخالفت با قرارداد در جراید به چاپ رسید. در مقابل، قرارداد چنان مفتضحانه و بد بسته شده بود که حتی موافقان جرئت تأیید علنی و دفاع از آن را نداشتند.

قرارداد در ابعاد جهانی نیز مخالفان خود را داشت. غیر از شوروی، که نظرات خاص خود در مبارزه با استعمار و امپریالیسم را داشت، دو کشور آمریکا و خصوصاً فرانسه در صف مخالفان این قرارداد قرار گرفتند؛ خاصه آنکه احمدشاه در سفر فرنگ خود، در پاریس، با مقامات بلندپایه فرانسه دیدار داشت و نظرات مخالف آنان را شنیده بود.

به هر صورت، این قراردادی بود که از سوی انگلیسیها به ایران تحمیل شد. این قرارداد بر دو ستون اصلی سیاسی، نظامی و اقتصادی استوار بود. درباره بخش نظامی و





سید ضیاءالدین طباطبایی در اروپا (۱۹۲۶) [۲۰۴۶-ع]

سیاسی آن در جای دیگر باید بحث شود؛ و چون عموماً اسناد ارائه شده در این بخش اقتصادی است، این بخش بیشتر مورد نظر است. مفاد قرارداد به سرعت اجرا شد. البته بعد نظامی، آن با توجه به حضور نظامیان انگلیسی در ایران، در اولویت قرار گرفت. اما مسائل اقتصادی پیچیدگی خاص خود را داشت، طبعاً با جراحی سریع بهبود نمی یافت و برای بهبود به مدت طولانی تری احتیاج داشت. خزانه دار کل بریتانیا یکی از معاونان ورزیده خود یعنی مستر سیدنی آرمیتاژ اسمیت را به عنوان مستشار مالی برای ایران معرفی کرد. دولت و ثوق الدوله نیز سریعاً قرارداد وی را امضا کرد و وی را به ایران آورد. وضع مالی ایران در این زمان واقعاً بی سر و سامان بود. هیچ چیز و هیچ درآمدی



دارای حساب و کتاب نبود. بسیاری از راههای محل درآمد مشمول کترات افراد و اشخاص ایرانی و خارجی بود. بسیاری از درآمدهای ایران، از طریق گرفتن قروض کمرشکن، تا سالها پیشخور شده بود. خرابی راهها و ناامنی چاشنی این هرج و مرج اقتصادی بود. هر چند در طول دوران سلطنت قاجاریان و خصوصاً از زمان ناصرالدین شاه به بعد بنا بر اصلاح امنیت اقتصادی بود و برای این مهم تصمیمات و کارهایی انجام گرفت که بسیار غیرمنطقی و ناکافی بود. و اگر منطقی نیز بود در دیوانسالاری اداری دولت راه به جایی نمی برد. بسیاری از کارمندان و مستشاران خارجی، اعم از آمریکایی، بلژیکی و انگلیسی، در دستگاه فاسد اداری حل شدند و خود تبدیل به مشکلی جدید برای دولت گردیدند؛ و حتی برخی مأموران بیطرف از قبیل شوستر، که اندک امیدی به آنان می رفت، با نظر دولتهای بیگانه از ایران اخراج شدند. انگلستان، که می خواست بر طبق این قرارداد، کل ارکان اصلی نظام ایران را متعادل سازد، طبعاً مایه ای نیز می خواست که پشتیبان قوی تشکیلات اداری و نظامی مورد نظرش در ایران باشد. بنابراین، مستشار مالیه اش اختیاراتی داشت که گاه از اختیارات وزیر مالیه نیز بیشتر بود؛ چنانکه درباره حدود اختیارات مستشاران نظامی انگلیس این امر اعمال شده به طوری که این بند قرارداد بسیار استعمارگرانه بود؛ یعنی در آن قرارداد بنا بر آن شد که درجه سرگردی به بالا عملاً به صاحب منصبان انگلیسی تعلق می گرفت و افسران ایرانی جز در موارد بسیار نادر و استثنایی حق ارتقا از درجه سرگردی به بالا را نداشتند. انگلیس چنان بندی را نیز در مورد مستشاران مالی می خواست چنانکه کاکس در تلگرافی به کرزن از حد و حدود بالای این مستشار سخن می گوید:

... امیدوارم این نکته کاملاً در لندن درک شده باشد که شرط مهم و اساسی برای موفقیت این مأمور عالیرتبه داشتن اختیارات وسیع و کافی است. درست است که او را «مستشار مالی» می نامیم اما بدیهی است برای شخصی مثل او که مسئولیت بسیار سنگین اصلاح اداره امور دارایی ایران را بر عهده می گیرد اختیارات عادی مستشاری کفایت نخواهد کرد.<sup>۱۷</sup>

اسمیت و گروه همکار انگلیسی وی بر همه شعبات مالیه ایران دست انداخت و در مدت تقریباً یک سال حضور آنان برخی اصلاحات انجام گرفت. وی که در این مدت به

عمق فاجعه اقتصادی و مالی ایران پی برده بود، ضمن ملاقات با نورمن جانشین کاکس، این امر را گوشزد می‌کند. وضع مالیه و خیم ایران در گزارش نورمن به کرزن به خوبی مشهود است:

... مستشار مالی (آرمیتاژ اسمیت) همین امروز مرا ملاقات کرد و اظهار داشت که وضع مالی ایران خیلی بیشتر از آنچه وی فکر می‌کرده و خیم است؛ زیرا کسر بودجه کشور به رقم کلی ۸۵۰۰۰۰ تومان سر می‌زند و تازه این مبلغ غیر از آن کسری ماهانه ۲۵۰۰۰۰ تومان است که ماه به ماه به اصل مبلغ اضافه می‌شود. با این حال، خودش با نظر من موافق بود که عجلتاً هیچ صلاح نیست حواله ماه آینده (برای پرداخت دوایر دولتی ایران) صادر گردد مگر اینکه قبلاً اطمینان قطعی حاصل شود که شاه قسمتی از آن را به حساب مطالبات شخصی خود برخواهد داشت...<sup>۱۸</sup>

گزارشهایی که در این مدت آرمیتاژ اسمیت به هیئت وزرا یا وزیر دارایی ارائه کرده، اطلاعات دست اولی است که وضعیت مالی و اقتصادی ایران آن روز را بررسی می‌کند و این گزارشها چون با یک نگاه علمی و اقتصادی ارائه شده جالب توجه است. اعتبار این قرارداد سالی بیش دوام نیاورد. سیر حوادث جهانی چنان پرشتاب بود که فرصت به انتظار نشستن برای تحولات طولانی نبود. بریتانیاییها نیز باید سریع تصمیم‌گیری می‌کردند. بال و پر گرفتن شورویها، اشغال حاشیه جنوبی خزر و حضور نیروهای معارض حکومت مرکزی تا نزدیکی قزوین زنگ خطر را برای انگلیسیها به صدا درآورده بود. روش حاکمیت باید تغییر می‌یافت. این تغییر در شب کودتای سوم حوت به ظهور رسید و شخص دیگری از عوامل قرارداد ۱۹۱۹، یعنی سید ضیاءالدین طباطبایی، با کودتای نظامی همراه با عاملی ناشناس و جدید، یعنی رضاخان میرنج به سلطه بریتانیا در ایران شکلی دیگر داد. سید ضیاء نیز که بدنامی قرارداد را در بین مردم می‌دانست سعی کرد با ابطال آن محبوبیتی برای خود فراهم نماید. پس با هماهنگی انگلیس قراردادی را که در واقع دیگر قابل اجرا نبود باطل کرد. نتیجه این چاره‌جویی سه ماه بعد با برکناری سید ضیاء و تبعیدش به خارج به شکل حمایت از رضاخان میرنج آشکار شد.

\* \* \*

[۱]

## رونوشت الحاقیه پیش‌بینی شده در ماده ۵ قرارداد آرمیتاژ اسمیت

ماده اول - دولت ایران آقای آرمیتاژ اسمیت را برای دو هدف به استخدام درآورده است:

۱. بهبود بخشیدن به وضعیت مالی و افزایش اعتبار دولت ایران؛
  ۲. اصلاح و سازماندهی تشکیلات مختلف وزارت مالیه ایران.
- ماده دوم - در هدف اشاره شده در بند اول ماده یک، آقای آرمیتاژ اسمیت موظف است در تهیه قانون بودجه کل شاهنشاهی ایران شرکت جوید، قانونی که پس از انجام دادن تشریفات مورد لزوم قوه مقننه کشور به اجرا درخواهد آمد. وی همچنین موظف است که:

۱. به منظور وضع مالیاتهای جدید یا حذف یا اصلاح عوارض و مالیاتهای موجود، هرگونه طرح قانونی فراهم آورد.
۳. به منظور وصول بهتر مالیاتها یا عوارض یا صرفه‌جویی در هزینه‌ها احکام یاد شده یا دستورهای گوناگونی مهیا سازد.
۳. برای ایجاد منابع جدی یا صرفه‌جویی، عملیات مالی مناسبی به دولت ایران پیشنهاد کند.

ماده سوم - در هدف اشاره شده در بند دوم ماده یک، آقای آرمیتاژ اسمیت موظف است که:

۱. به منظور سازماندهی بهتر خدمات و تشکیلات مختلف وزارت مالیه طرحهای قانونی، احکام یا دستورهایی تهیه و یا لغو یا اصلاح قوانین و احکام موجود را پیشنهاد کند.
۲. برای نیل به همین هدف، ارائه خدمات جدید یا حذف و سازماندهی مجدد خدمات فعلی را پیشنهاد کند.
۳. بر حسابداری خدمات مختلف وزارتخانه و برحسب اجرای قانون بودجه و، به طور کلی، همه قوانین و احکام مربوط به امور مالیه ایران نظارت و کنترل داشته باشد، برای تعدیل اشتباهات مرتکب شده دستورهای لازم را صادر نماید.
۴. برای مأموران وزارت مالیه، که در انجام دادن وظایف خود متهم [به قصور] شده و یا در انجام دادن آن از خود بی‌کفایتی نشان دهند، تقاضای محاکمه یا عزل آنها را بکند. پرواضح است که تمامی اعمال انجام گرفته و نیز اقدامات اتخاذ شده از سوی آرمیتاژ



فیروز فیروز (تصرت الدوله) وزیر مالیه (۱۸-۴۳)

اسمیت به نحوی لحاظ خواهد شد که با قوانین شاهنشاهی ایران یا با مقتضیات مسئولیت وزرای ایران مغایرت نداشته باشد.

ماده پنجم - آقای آرمیتاز اسمیت همردیف مقام پرافتخار معاون وزیر این وزارتخانه خواهد بود. آرمیتاز اسمیت در اجرای وظیفه خود، مستقیماً با وزیر مالیه که در قبال او مسئول است، ارتباط خواهد داشت.

فتوکی برابر با اصل است.

[امضاء]

[۱۰۸۳۴ - ن]

[۲]

### [گزارش آرمیتاژ اسمیت به اعتلاء الملک وزیر مالیه در خصوص وضع تریاک]

ریاست وزراء

یادداشت آقای مستشار کل مالیه ایران ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰

حضور حضرت اشرف آقای وزیر مالیه دامت شوکتہ؛

آقای وزیر

راپورتی از مسیو موسس خان راجع به اداره تریاک به این جانب رسیده است. این راپورت حیرت انگیز خیلی مفصل و مشتمل بر اطلاعات تاریخی خیلی مفیدی است که هم برای بنده و هم برای حضرت اشرف، که به این قسمت از عوائد دولت اطلاع و احاطه کامله دارند، مطالعه آن خیلی نافع خواهد بود. همچنین برای اینکه زودتر پشرفت کند چند فقره از مندرجات راپورت مزبور را لفاً ایفاد و پیشنهاد می نماید که در آتیه تمام این راپورت را قدغن فرمایید به طبع برسد.

توجهات حضرت اشرف را به پیشنهاد موسس خان جلب و عقیده خود را تقدیم می دارد که مقرر فرمایید به قید فوریت اقدامات ذیل را امر به اجازه فرمایند (ملاحظات بقیه راپورت را به آتیه موکول فرمایید).

فقرات قابل توجه از این قرار است:

۱. آنکه صاحبجمان زراعت تریاک، اقساط مثال دیوان را بر طبق کتترات نپرداخته اند؛ بنابراین، بنده پیشنهاد می کنم که از موقع استفاده فرموده و بر طبق ماده (۲۸) کتترات نامه این کتترات را به فوریت الغاء فرمایید. به مجرد اینکه این کتترات تمام شد، دولت می تواند این مالیات را مستقیماً اداره و نظارت نماید.

بنده پیشنهاد می کنم (توصیه می کنم) که موسس خان را به سمت مدیر کل تحدید ابقاء فرمایید. این مأمور اطلاع کامل و مفصلی از کلیه این کار دارد و نیز تجربیات کامله در این اداره حاصل کرد و از این جانب هم توجهاتی نسبت به خود جلب کرده است.

۲. بدیهی است که مصارف این اداره فوق العاده مقرون به گراف و مبالغه است و باید البته تقلیل در مخارج آنجا کرد؛ مخصوصاً نسبت به مقرری مأمورین و هیئت مأمور آن اداره بنده توصیه می کنم که اجازت فرمایند موسس خان که با اشتراک مساعی مخبر همایون فهرستی برای مأمورین جدید که موسس خان پیشنهاد می کند، ترتیب بدهد با

تعیین تفصیل و ترتیب حقوق و مقرری آنها که در اداره تحدید و دخانیات مشغول خدمت باشند. و به عقیده بنده اداره دخانیات و تحدید باید نسبت به یکدیگر امتزاج و اختلاط ثابتی داشته باشند و توأمأ کار کنند. (یادداشت نمره ۳، ۲۳ به تاریخ ۱۸ ماه جاری مراجعه فرمایید.)

۳. یکی از ملزومات اساسیه لاینفک تشکیلات جدیدۀ این دو اداره این است که به قدر لزوم قوای کشوری و لشکری برای خدمت و پیشرفت این اداره تعیین فرمایند؛ و از همین نقطه نظر لازم است که به حکام ولایات و مأمورین مالیه و رؤسای قشون نسبت به تقویت این اداره تعلیمات صریحه صادر فرمایند. از همین نقطه نظرات که در آتیه، فی الحقیقه، تریاک منال انحصاری دولت خواهد شد؛ و می توان اداره انحصاریه حجیمی تشکیل داد و می توان تصدیق کرد که، من بعد، به وسیله مخالفت های مردم متفرقه نسبت... \* که صاحب جمع های زراعت تریاک مداخله داشته کمتر در زحمت خواهد بود. مع هذا، اگر بدبختانه پاره [ای] ضدیتها و مخالفتها عرض اندام نماید بایستی اقدام سخت تری اعمال کرد تا احکام دولت استقرار و تنفیذ یابد.

۴. واضح است که در آتیه عوائد طبیعی اداره به صندوق مأمورین مالیه ولایات وارد و هر خرجی بر طبق بودجه، که قبلاً تدارک شده است و به تصدیق رسیده، پرداخت می شود و در مخارج پستی و تلگرافی وقفه و سکونت حاصل خواهد شد.

۵. به حضرت اشرف توصیه می کنم امر فرمایید موسس خان به فوریت پیشنهادات خود را حاضر نماید: (۱) یک نظامنامه جدید؛ (۲) تغییراتی که باید در قانون حالیه تحدید، عمل آید و هرچه زودتر آنها را از نظر مبارک بگذارند.

۶. به مجرد وصول باندرول جدید، لوله ها را دوباره باندرول کند به طوری که موسس خان در نظر گرفته تا این مسئله از... \* دستبردهای محتمله مصون و محفوظ بماند. بنده نسبت به دو فقره که موسس خان طرح نموده موافقت خود را نمی تواند اظهار نماید:

اول، به مجرد شروع به عمل انحصار، آیا باید اقدامات مخصوصه در جنوب ایران به عمل آورد یا اینکه شرایط اجرای قانون را به تساوی در همه جا یکسان بایستی به موقع عمل گذارد؟

دویم، آیا باید سوخته ها را در میزان یک شاهی خریداری کرد یا دو شاهی؟

بنده خود را مکلف می‌داند این راپورت را مصحوب نظریات شخصیه از نظر مبارک، بدون افاتۀ وقت، بگذراند؛ زیرا، در این موقع، علاج مؤثر قطعی دیگری در نظر نیست که بتواند از این مشکلات اقتصادی نجات بخشد و آن عبارت از تجدید تشکیل دوائر منهیات، تحدید، نواقل است... توتون، تریاک، عرق، مالیات شراب، عایدات نواقل... و نیز خود را مکلف می‌داند که دو فقره یادداشت به نمره ۲۳ و نمره ۲۴ را به قید فوریت از نظر مبارک بگذراند. در خاتمه، احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

مستشار مالیه دولت علیه ایران، آرمیتاژ اسمیت

[۳]

### [گزارشی از نخست‌وزیری در خصوص اجاره فرش منزل آرمیتاژ اسمیت]

ریاست وزراء

نمره کتاب: ۸۵۳۵

۲۲۸

تاریخ ارسال: ۶ قوس ۹۹ [۱۲]

اسم نویسنده: ع. ریشار دبیر مخصوص

وزارت جلیله مالیه

از قراری که جناب مستطاب اجل اکرم آقای اعتلاء الدوله دام اقباله اظهار می‌کنند، مبلغ سیصد و دوازده تومان کرایه ۳۹ روزه فرشیه [را] که آقای فتح‌الله تاجر به دستورالعمل ایشان برای منزل آرمیتاژ اسمیت تهیه نموده است، تاکنون از آن وزارتخانه نپرداخته‌اند که سواد مراسله آقای اعتلاء الدوله و عین مشروحه آقا فتح‌الله تاجر تلوأ ارسال می‌شود، که اگر تفصیل این طور است که اظهار داشته‌اند چرا کرایه این فرشها را تا حال نپرداخته‌اند. قدغن فرمایید مطابق قراردادی که قبلاً شده است و کرایه یک ماهه را مطابق آن قرارداد پرداخته‌اند، بقیه کرایه ۳۹ روزه را هم زودتر بپردازند.

... فرزانه

[۱۷-۱۴۱۴-۱۰۱]



است خاطر جناب اشرف را مستحضر [۴] کہ لرد کرزن تلگرافاً اطلاع می دهد کہ اگر

### [شکایت به قوام السلطنه از انتصاب مستر کافی جهت مالیہ جنوب]

قربانت شوم،

چند روز است متأسفانه از درک محضر اشرف محروم؛ ولی علاقه قلبی به بقاء وضع حاضر، کہ آن را بنایی مؤسس بر تقوا می دانم و، در هر حال، تنفیذ مشروعاتش را با ارادت صادق نگرانم، به عرض این مختصر مجبورم ساخته است. امروز شنیده شد کہ مستر کافی را برای مالیہ جنوب مأمور فرموده اند؛ در صورتی کہ این شخص سابقه خوبی ندارد و گویا آقای وزیر مالیہ هم اطلاع کامل به احوال او دارند. دارای هیچ تخصصی هم در امور مالیہ نیست و نزد خود اروپاییها نیز به دائم الخمر معروف است؛ ولی باور نکردم. بالفرض [بالفرض] مستر آرمیتاج اسمیت هم تصویب کرده باشد حضرت اشرف، با استقلال فکری [ای] کہ دارند، هرگز تابع آراء متأثر به نفوذات خارجیہ نبوده اند. بنده شخصاً مستر کافی را نمی شناسم و آنچه عرض می کنم به واسطه شیاع و تواتر بوده، کہ جای شبهه باقی نگذاشته است. دیگر امر، امر مبارک است.

۵ ثور ۱۳۰۰

[در حاشیہ:] تکذیب می کنم؛ بی اطلاعم. جواب خصوصی از طرف حضرت اشرف نوشته شود به آقای موقرالذولہ دائر بر تکذیب این خبر و اظهار بی اطلاعی از قضیہ.

[/۱۷-۱۵۲۵]

[۵]

[نامه تهدید آمیز سفارت انگلیس به قوام السلطنه در خصوص کم شدن اقتدار آرمیتاژ اسمیت]

سفارت انگلیس طهران

۱۸ جون ۱۹۲۱، ۲۸ جوزا ۱۳۰۰

فدایت شوم، تلگرافاً نکات اصلی بیانیه جناب اشرف را به لرد کرزن اطلاع دادم؛ و ضمناً نیز معزی الیه را مستحضر داشتم کہ، به واسطه عقاید خصومت آمیز عمومی، جناب اشرف اظهار داشته اند کہ نمی توانند اقتداراتی را کہ مستر آرمیتاژ اسمیت مجبور هستند کہ شرط گرفتن مساعده برای دولت علیہ قرار بدهند، بپذیرند. تکلیف دوستدار

۱۳۳۹ - جدول تقریرات مشخصه از س



British Legation  
Tehran

سفارت انگلیس تهران

۱۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی

۱۳۳۹

است خاطر جناب اشرف را مستحضر سازم که لرد کرزن تلگرافاً اطلاع می دهند که اگر اقتدارات مستشار مالیه نقصان یابد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی تواند نفوذ خود را به تجارتخانه های سرمایه دار انگلستان به کار برند که مساعدتی به هیئت دولت علیه بنمایند.

[امضاء]

[۱۱۰۴۰-ن]

[۶]

[جوابیه قوام السلطنه به سفارت انگلیس و منوط کردن حوزه فعالیت  
آرمیتاژ اسمیت با تشکیل مجلس شورای ملی]

ریاست وزراء

فدایت شوم، رقمه مورخه ۱۸ جون ۱۹۲۱ (۲۸ جوزا ۱۳۰۰) جناب عالی زب وصول بخشید. تصور می کنم در مذاکرات دوستدار راجع به مستر آرمیتاژ اسمیت سوء تفاهمی حاصل شده است؛ زیرا دوستدار همواره این نقطه نظر را پیروی نموده ام که ترتیبات قانونی را که موجب استحکام اصلاحات اساسی است رعایت نموده باشم. و تردید ندارم که جناب اجل عالی نیز این نقطه نظر را تصدیق می فرمایید که با افتتاح مجلس شورای ملی طریقه منحصر به فرد و مشروع جز این نیست که این موضوع با موافقت نمایندگان ملت حل و تصفیہ شود؛ لیکن اینکه می فرمایید جناب اجل لرد کرزن مساعدت مالی سرمایه داران انگلیسی را با دولت علیه موکول به تصویب اختیارات لازمه برای مستر آرمیتاژ اسمیت قرار داده اند، تصور می کنم با مشکلات فوق العاده ای که در پیش است هرگاه از مساعدت مالی سرمایه داران انگلستان محروم بمانیم مشکل است چند وقتی را که لزوماً به انتظار کارهای مقدماتی مجلس خواهیم بود بتوانیم بدون نگرانی به پایان برسانیم. از طرف دیگر، نظر به حسن روابط و احساسات و دادیه، که همواره از اولیاء دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انتظار داریم، به هیچ وجه مایوس نیستم که در این موقع نیز اولیاء دولت معظم لها تسهیلات لازمه را در رفع اشکالات مالی مبذول دارند تا برای دولت فرصت و فراغتی باشد که پس از آنکه کارهای مقدماتی مجلس خاتمه یافته مسائل معوقه را با موافقت نظر مجلس تصفیہ نماید.

۲ سرطان ۱۳۰۰

[۱۱۰۴۰-ن]

[قوام السلطنه]

[۱۰۸۱۷ و ۱۰۸۱۶-ن]

[۷]

[نامه سفارت انگلیس به قوام السلطنه در خصوص حقوق صاحبمنصبان انگلیسی]

British Legation

Tehran

۲ جولای ۱۹۲۱، ۱۱ سرطان ۱۳۰۰

جناب مستطاب اشرف ارفع آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء دامت شوکت  
جناب اشرف ارفع،

چون بر حسب مراسله جناب اشرف مورخه ۲۶ ژوئن، هیئت وزراء تصمیم داده اند  
که صاحبمنصبان انگلیسی را از خدمت اخراج نمایند، لهذا خواهشمندم اقدام فوری  
فرمایید که حقوق صاحبمنصبان مزبور به موجب شروط قرارداد، که سواد آن لفا ارسال  
می گردد، پرداخته شود که به هر زودی ممکن شود خارج شوند. قرارداد مزبور را هیئت  
وزراء سابق تصدیق نموده و وزیر امور خارجه آن را امضا کرده اند. به موجب شروط  
مزبور شرف خواهش دارم که جناب اشرف قبول زحمت فرموده ترتیب ذیل را بدهند:

۱. حقوق صاحبمنصبان مزبور تا آخر ماه ژوئیه پرداخته شود؛ تا آن وقت، موقع  
خواهند داشت که کارهای خود را تفویض نموده و به سرحد ایران برسند.
۲. شش ماه حقوق از اول اوت ۱۹۲۱، به موجب جمله ۲ (۱) از شروط خدمت  
صاحبمنصبان انگلیسی که در قرارداد مندرج است، به آنها داده شود که بتوانند در وقت  
ورود به انگلستان برای خود کار دیگری پیدا نمایند.
۳. مبلغی مساعده به آنها داده شود، که به مخارج حمل و نقل به مملکت اصلی خود  
انگلستان و هندوستان یا بین النهرین، هر کجا که بوده باشد، برسانند.
۴. به هر یک از صاحبمنصبان حقوق یک ماه برای حق تمکن که باید به او برسد و در  
جمله ۱۳ شروط قرارداد صاحبمنصبان درج است تأدییه گردد.

[امضاء]

[۱۰۷۹۹ و ۱۰۷۹۸ - ن]



[ابراز نارضایتی آرمیتاژ اسمیت از برکنار شدن از شغلش و اعلام وفاداریش به ایران]

یکشنبه ۵ سنبله ۱۳۰۰

جلسه سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شد. مطالب ذیل مطرح مذاکره واقع گردید:

۱. تصویب مبلغ دوست و پنجاه تومان برای تعمیر مدرسه قاجاریه پرداخته شود.
۲. حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء اظهار فرمودند که مستر اسمارت، در نتیجه مذاکراتی که چند روز قبل در باب رفتن مستشار مالی و همراهان او شده بود با وزیر مختار مذاکره کرده بود، آمده اظهار داشت وزیر مختار این تکلیف را با کمال تأسف و تأثر تلقی کرده و یقین است که لرد کرزن نیز از تلگرافی که سفارت در این خصوص می‌کند خیلی متأثر خواهد شد. بعد هم خود آرمیتاژ اسمیت آمده و تصمیم خود را در باب رفتن از ایران اظهار داشت؛ ولی ضمناً اظهار تأسف می‌کرد از اینکه توانسته است نیات خود را در خدمت به ایران، به طوری که در نظر داشته است، اجرا کند و بیشتر این پیشآمد خود را مربوط به سوءسیاست سفارت انگلیس و لرد کرزن می‌دانست؛ و ضمناً می‌گفت که من با اینکه به این حالت ایران را ترک می‌کنم ولی از عقاید صمیمانه خود نسبت به ایران دست نخواهم کشید و در هر جا باشم خدمات خود را به ایران خواهم کرد و این سوءسیاست دولت و مأمورین انگلیسی را تعقیب و مدلل خواهم نمود و خواهید دید که وفاداری من به ایران تا چه اندازه است....

[۲۳۰۵۷-۴۳-ن]

[نامه وزارت مالیه در خصوص حقوق آرمیتاژ اسمیت]

وزارت مالیه  
اداره: محاسبات کل  
مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکت  
در تعقیب مرقومه نمره ۹۶۵۱ راجع به حقوق آرمیتاژ اسمیت و غیره، که بر طبق مرقومه نمره ۸۹۴۳ و نمره ۹۱۶۴ آن مقام منبع از بانک شاهنشاهی مبلغ

چهل و دو هزار و هفتصد و بیست تومان برای تأدیه حقوقات مزبور به اعتبار مستر آرمیتاج اسمیت گذارده شده است، مستدعی است راجع به مبلغ چهل و دو هزار سیصد و دو هزار و سیصد و نود و شش تومان و شش قران از مبلغ مزبور، که صورت جزو آن را مستر اسمیت بدان مقام منیع تقدیم نموده است، تصویب نامه‌ای صادر و برای سند خرج وزارت مالیه ارسال فرماید تا بر طبق آن به خرج منظور و با بانک شاهنشاهی محسوب شود.

[۱۰۸۰۷-ن]

[۱۰]

### [گزارشهای اقتصادی و فنی آرمیتاژ اسمیت به هیئت دولت]

وزارت مالیه

اداره: کابینه

[قوری است] به تاریخ ۲۵ برج قوس ۱۳۰۰

ضمیمه: سواد

نمبر: ۲۵۴۸۶

کابینه محترم ریاست وزراء عظام  
در انجام تقاضایی که ضمن مرقومه نمره (۱۲۵۰۸) فرموده‌اید یک فقره سواد از یادداشت مبسوط آرمیتاج اسمیت، که طرح استخدام نیز در آن مندرج است، تلو ارسال می‌دارد.

\* \* \*

حضرت مستطاب اجل اکرم آقای اعتلاء الملک وزیر مالیه

با اینکه راجع به تکالیفی که فعلاً به عهده خود می‌دانم تقدیم هرگونه راپورتی زود است و تصور می‌کنم هر پیشنهادی فعلاً بشود، به واسطه تجاریات تدریجی الحصول خود، در معرض تغییر خواهد بود، لهذا تقدیم شرح ذیل را به کلی بیفایده نمی‌دانم:

#### ۱. تجدید تشکیلات اداری

بر حسب اطلاعی که از لندن از حضرت اقدس والا شاهزاده نصرت الدوله تحصیل کرده‌ام این جانب باید در تجدید تشکیلات وزارت مالیه اقدام و یک لایحه قانونی تهیه نماید که پس از تصویب حضرت اجل عالی و هیئت وزراء عظام هر چه زودتر به تصویب



مجلس شورای ملی برسد. برای حصول این مقصود اطلاعات به قانون تشکیلات فعلی را تحصیل و لازم می‌دانم که به تفتیش و مطالعه مشاغل هر یک از ادارات این وزارتخانه شروع نمایم و پیشنهاد می‌کنم که رسیدگی به تأسیسات اداره گمرک به عهده کلنل پنش محول بشود. نقطه نظر کلی در تجدید تشکیلات مالیه باید آن باشد که مالیاتی که از مأمورین دریافت می‌شود مستقیماً، بدون کم و کسر با حداقل مخارج، به خزانه دولت عاید شود و پس از جمع‌آوری کلیه مالیات در خزانه دولت، خزانه نیز وجوه مزبوره را فقط برای مصارف مملکتی در حدود مصوبه مجلس شورای ملی (یا هیئت وزراء در غیاب مجلس) و بر طبق پروگرامی که با ملاحظه عایدات تهیه می‌شود خرج خواهد بود - پروگرام مزبور شامل اصلاحات اداری، چه در مرکز و چه در ولایات، خواهد بود به طوری که وسائل ممکنه برای تفتیش و رسیدگی به مخارج در اختیار وزیر مالیه باشد و هر هیشی که برای رسیدگی به مصارف تعیین شود بتواند کلاً از عهده تفتیش برآید - اگر اشتباه نکرده باشم اصلاح وزارت مالیه بالتنتیجه و بالطبع متضمن اصلاحات سایر ادارات دولتی هم می‌شود و قبلاً هرگونه اصلاحاتی در باب جمع‌آوری حقوق محاکماتی و فروش تمبر و غیره ممکن است منجر به اصلاحات کلی در استخدام اجزاء دوائر دولتی بشود و دو نکته ذیل در هر یک از ادارات مطمح نظر گردد: اولاً بهترین طرز استخدام اعضا و اجزاء؛ ثانیاً دیسپلین و مواجب و تکالیف اداری و تقاعد و وظیفه‌خواری و تمام شرایط استخدام مسلم است که این‌گونه مسائل به مرور و تحصیل اطلاعات حاصل می‌شود و نتیجه مؤثر و آئی نباید از آنها انتظار داشت. مع هذا با ملاحظه وضع ناسف‌انگیز مالیه دولت ایران خیلی لازم است که این اقدامات با سرعت کامل، یعنی تا اندازه‌ای که عملی و اسباب پیشرفت اصلاحات مالیه باشد به عمل آید تا آنکه تفاوتی بین عایدات ملی و مخارج لازم به وجود آید. نیل به این مقصود فقط وسیله تقلیل مخارج یا تکثیر عایدات یا هر دو ممکن است.

## ۲. تزئید عایدات

لازم است به طور اختصار خلاصه صورتی از عایدات عرضه شود. ارقام تخمینی ذیل استخراج از صورت عایدات و مخارج پیش‌بینی شده هذه السنه است که مستر هایت بر حسب تقاضای این جانب تهیه نموده‌اند:

[۱] اول مالیاتهای ملکی

مالیتهای املاک	۷۰۰۰۰۰۰	میلیون
خالصه	۲۰۰۰۰۰۰	
مالیتهای غیر مستقیم	۱۰۰۰۰۰۰	
تجدید تریاک	۱۰۰۰۰۰۰	
	<u>۱۱۰۰۰۰۰۰</u>	
۲. گمرکات	۸۰۰۰۰۰۰	
۳. پست و تلگراف	۳۰۰۰۰۰۰	
۴. متفرقه	۱۰۰۰۰۰۰	
۵. امتیازات و غیره	۵۰۰۰۰۰۰	
جمع کل عایدات پیش بینی شده	<u>۲۳۵۰۰۰۰۰</u>	
	۱۹۲۰-۱۹۲۱	سنه

فعلاً تعرفه گمرکی اصلاح شده و از این ممراسمال دیگر انتظار تزید عایدی نداریم و واضح است که یگانه منبع تکثیر دخل فقط مالیات املاک و خالصه است که تقریباً معادل نصف کلیه عایدات است؛ و این اقدام باید هرچه زودتر بشود. یگانه آرزوی مادر اصلاح این اوضاع و صمیمیت ما در خدمتگذاری [خدمتگزاری] این دولت وقتی تظاهر خارجی پیدا می کند که ما با تمام حواس خود به حل این مشکل بپردازیم و هرچه مشکلات سیاسی و مالیه در ضمن جلوه گر بشود مانع و عایق مقصود ندانسته این راه را بیماییم؛ زیرا که یگانه وسیله خوشبختی و زندگی این مملکت نتیجه این موفقیّت خواهد بود. برای عایدات ملکی، بدون شک، شخص عالم و متخصص لازم است و این جانب از حضرت اشرف و هیئت وزراء اجازه می طلبم که یک نفر متخصص عالم برای اداره مالیاتی (که اداره خالصه نیز جزو آن محسوب خواهد شد) در پاییز آتی استخدام و اطلاعات لازمه را برای استفاده مشارالیه قبل از رسیدنش تهیه نمایم. گذشته از اینکه در نتیجه اصلاحات اداری مرکز و ولایات و تعدیل مالیاتهای کلیه عایدات زیاد خواهد شد، ممکن است برای رفع احتیاج عاجل بعضی مالیاتهای تازه وضع نمود. یک قسمت مالیات که تقریباً در کلیه نقاط فرنگستان معمول است، تا حال در ایران به معرض امتحان نیامده که این جانب وضع آن را پیشنهاد می نمایم عبارت است از تمبر بروات و حوالجات. وضع این مالیات بدون شک حالیه فواید مخصوصی را متضمن خواهد بود؛ و نظر به اینکه مالیات تمبر و بروات از ردیف کلیه مالیاتهای دیگر جداست می توان بدون

اینکه اصلاحات مالیه فعلاً در ایجاد آن مدخلیت داشته باشد آن را به موقع عمل گذاشت. ثانیاً، این مالیات خرجی نخواهد داشت و مخارج اداری آن، به طوری که اروپاییها اظهار می‌دارند، تقریباً صد یک عایدات آن خواهد بود. ثالثاً، در صورتی که نظامنامه و ترتیب صحیح برای طبع و فروش و محاسبهٔ تسبیر بروات تهیه شود تمام عایدات آن مستقیماً به خزانه واصل خواهد شد و نباید به واسطهٔ عدم مراقبت متصدیان این شغل چیزی از عایدات آن حیف و میل شود. عایداتی که از این ممر تحصیل خواهد شد کمک معتناهی به خزانه دولت خواهد کرد؛ مخصوصاً در این موقع که شاید دولت ایران از تهیه مبالغ هنگفتی برای اصلاحات قشونی ناچار باشد. در صورت امر هیئت وزراء، این جانب لایحهٔ قانونی یا لایحه حکم دولتی راجع به این مالیات و نظامنامه‌های آن را تهیه خواهم کرد. و خیلی به موقع است که معلوم شود آیا اجرای این امر و نظایر آن موقوف به تشکیل مجلس شورای ملی خواهد بود یا اینکه هیئت محترم دولت قبلاً آن را به منزلهٔ یک اقدام عاجل (چنانچه نظایر هم دارد) به موقع اجرا خواهند گذاشت. و ممکن است که در طی مراتب این کار محتاج به هیئتی مرکب از مجربین مالیه و عدلیه و پارلمان بشویم؛ و در این صورت کمیسیون مختصری برای مطالعات لازمه منعقد گردد. با انتظار موقع مناسب‌تری، فعلاً پیشنهاد دیگری در تزیید عایدات نمی‌کنم و راجع به عایدات اجارهٔ جنگلها و انهار و معادن که ارقام پیش‌بینی شده هذلسنه خیلی کم به نظر می‌آید. امیدوارم در آینده اطلاعات مسووطتری در آن زمینه تحصیل نمایم.

### ۳. تقلیل مخارج

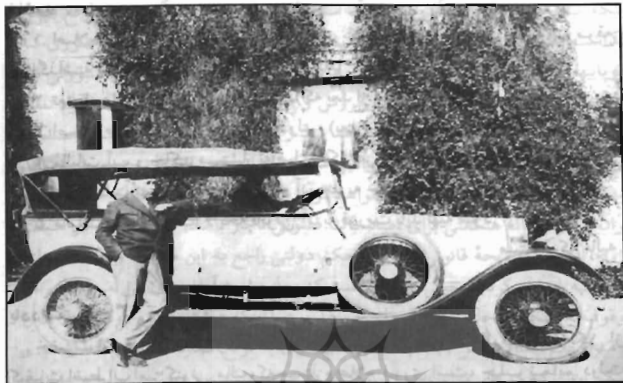
امید است که در سایهٔ نظارت و دقت در سلسله اصلاحات وزارت جلیله در مرکز و ولایات موفق به صرفه‌جویی و اصلاحات بزرگ در مشاغل اداری بشویم و در مواقعی که لازم شود حقوق بعضی از مستخدمین را اضافه کنیم؛ ولی در هر حال، واضح است که تا اصلاحات ادارات مالیه شروع نشود نمی‌توان اقدام به اصلاح سایر ادارات دولتی نمود. با تقدیم این یادداشت به مقام وزارت پناهی، امید است که مرام و نقطه‌نظر این جانب بر حضرت اشرف معلوم شده باشد؛ و اجازه خواهند فرمود که از اطلاعات محلی حضرت اشرف عالی استفاده نمایم. و اذعان می‌کنم که فقط در سایهٔ تبادل نظر و خیالات با آن وزارت جلیله می‌توانم تجربیات اروپایی خود را برای خدمتگذاری [خدمتگزاری] مملکت ایران عرضه بدارم.

## خلاصه

۱. اصلاحات وزارت مالیه تهیه لوایح قانونی که در عرض مقررات حالیه، به موقع اجرا گذاشته شود (که باید شروع و به مرور کامل نمود).
  ۲. تعدیل عایدات ادارات صاحبجمع (که بعد از این اقدام خواهد شد).
  ۳. اصلاح طرز استخدام در ادارات دولتی (بعد).
  ۴. مالیات آب و خاک، مستشار تقاضای یک نفر متخصص می نماید (به فوریت: در صورتی که اساساً تصویب شود جزئیات آن بعد به حضور مبارک تقدیم خواهد شد).
  ۵. مالیات تمبر، بروات، لایحه قانونی آن به فوریت باید تهیه شود.
- مستشار کل مالیه

## یادداشت نمره ۳

حضرت اشرف آقای وزیر مالیه، لازم می دانم خاطر حضرت اشرف را به یکی از کیفیات اضطراب آمیز کنونی مالیه، که مستلزم علاج فوری است، جلب نمایم. دولت مرکزی به جای آنکه در عایدات ولایات در صندوق مرکزی جمع آوری و استفاده کند، فعلاً برای ابقاء ادارات دولتی مجبور است کمک خرج به ولایات بفرستد؛ و، مطابق اطلاعات این بنده، این کیفیت در ادارات مرکزی طهران نیز (از قبیل بلدیة) معمول است. اگر مجال و فرصتی بود البته کشف علت و وضعیت نافع بود و بر اطلاعات می افزود؛ لیکن مهم تر است که وسائل خاتمه دادن به وضعیت کنونی و معکوس نمودن جریان فعلی به دست آید تا اینکه در عوض خارج شدن پول از خزانه مشکل کمک خرج پول وارد صندوق خزانه بشود. ممکن نیست تغییر اساسی در وضعیت کنونی داده شود تا اینکه مسئله مالیات ارضی، که حیات دو ملت منوط به آن است، تصفیه و مسئله اصلاحات پرسنلی وزارتخانه در مرکز ولایات تکمیل شود و رفرم این دو قضیه هم مستلزم فرصت زیاد است. عجلتاً، به عقیده بنده، مقتضی است کمیسیونهای تحقیقی با اختیارات تامه به عضویت سه نفر یا عده ای قریب به آن تشکیل شود؛ و این کمیسیون در نواحی مختلفه گردش کرده با مأمورین محلی داخل مذاکره شده به محاسبه مأمورین صاحبجمع رسیدگی و مراقبت در وصول عایدات و تقلیل مخارج زائده بنماید. و برای احتراز از فوت وقت، پیشنهاد می شود نقاطی که کمیسیونها باید به آنجا بردند از نقاط قریب به مرکز و ولایاتی که به ثروت و حاصلخیزی معروف است انتخاب شوند؛ اگرچه،



وثوق الدوله (۱۴۱۷-۱۴۱۸ع)

بدبختانه، خسارت وارده در نتیجه جنگ و قحطی زیاد مسلم و محقق است ولی این نکته را هم نباید از نظر محو نموده که به بسیاری از نقاط آبادی و فراوانی مجدداً شروع شده و، مطابق اطلاعات صحیحه که این بنده به دست آورده‌ام در اطراف خطوط ارتباطیه انگلیس، یعنی مابین قزوین و همدان، رعایا به تشویق امنیت فعلی و عدم بیم از چپاول طوایف سلحشوری زراعت شده و شش برابر مساحت ارضی که قبل از جنگ مریکاشته فعلاً زراعت می‌کنند. خیلی مایل بودم که در این قبیل تحقیقات شخصاً حرکت می‌کردم ولی مع التأسف بیرون رفتن از پایتخت برای بنده ممکن نیست؛ و با اینکه همقطارهای انگلیسی من در خدمت وزارت مالیه هستند لهذا عقیده دارم که ریاست هر کمیسونی با یک نفر ایرانی و اکثریت اجزاء آنها هم ایرانی باشد و چنانچه اعضاء منتخبه به درستی معروف و صادقانه قائل به اصلاحات باشند البته تصور آن می‌رود که تقلیل در مخارج و شاید تزید عایدات نیز صورت‌پذیر شود؛ ولی، در هر حال، نتیجه روحیه آن حتمی خواهد بود تا این اقدام اراده دولت به تشخیص مرض و اراده به علاج آن تظاهر خارجی

پیدا خواهد کرد. نکته دیگری هم هست که آن هم خیلی مربوط به موضوع فوق و از مطالعه پیش‌بینی بودجه عایدات و مخارج هذلسنه توجه بنده را جلب کرده است. در ضمن بودجه مخارج هذلسنه مبالغ هنگفتی از بابت مخارج بلدییه و خط زنجیر و ارزاق مشاهده می‌شود (۳۰۰۰۰۰ تومان + ۴۶۳۸۸۴ = ۷۶۳۸۸۴ تومان) گرچه هنوز بدبختانه به قوانین اساسی ایران راجع به اختیارات بلدییه مراجعه نکرده‌ام ولی نتیجه این مطالعات هرچه باشد چیزی که خارج طبیعت و عادت است این است که شهر طهران، که به نظر، محل تمرکز ثروتهای هنگفت می‌نماید، برای رفع احتیاجات و مخارج خود از صندوق دولت کمک بگیرد. اداراتی که محل ضرورت تمام مملکت است از اداراتی که طرف احتیاج اهالی یک نقطه مخصوصی است به سهولت تشخیص داده می‌شود؛ و عدالت حکم می‌کند که مخارج ادارات نوع اول تحمیل کلیه افراد مملکت و مخارج ادارات نوع ثانی فقط تحمیل دسته‌ای از اهالی بشود که از آنها استفاده می‌کنند. بدیهی است که تشخیص این نکته در موضوع کلیه تأسیسات آسان نیست و تشخیص جنبه عمومی یا خصوصی آنها مختلفیه است؛ لیکن جای انکار نیست که مثلاً نگاهداری قشون یا هیئت دیپلماتیک یا محاکم قضایی یا مجلس شورای ملی مربوط به منافع عموم و بالعکس نظیفات بلدی و روشنائی و امور صحیه و ترتیب مجاری آب در یک شهر، به خصوص که محل بالانحصار استفاده عده معدود است، مربوط به منافع خصوصی آنهاست. بنابراین، لازم می‌دانم به حضرت اشرف پیشنهاد کنم که فوراً در باب اینکه بعضی مخارج هنگفت بودجه هذلسنه تا چه درجه مربوط به منافع عمومی و خصوصی طهران است تحقیقاتی بشود (این هم برای تشکیل حکومت مرکزی است) و سپس در انتخاب بهترین وسائلی که بلدییه برای اصول جمع‌آوری وجوه لازمه باید اتخاذ کند مطالعه شود؛ مثلاً اطلاع دارم که عوارضی از دکاکین دریافت می‌شود؛ بنابراین، ممکن است ترتیبی برای وصول عوارض (از قرار صد فلان) از خانه‌های متفرقه و باغات از روی صحت تخمین ملک یا از روی مساحت آن دریافت داشته (احساب)، عوارض از روی مساحت گرچه از نقطه نظر علمی چندان خوب نیست ولی، در عوض ساده‌تر و سهل‌تر است. یک مطلبی هم که بالخاصه باید تحت مطالعه بیاید ترتیب کنونی خط زنجیر و ارزاق است؛ و نظر به مخارج فوق‌العاده آنها، لازم است مراتب در اول و حله مطالعه شود. در صورتی که حضرت اشرف تحقیقات راجعه به این امر را تصویب فرمایند کمیسیون کوچکی مرکب از یک نفر از آقایان وزراء و چند نفر مأمورین عالی‌رتبه



ممکن است به تحقیقات مزبوره اقدام نمایند؛ و مجدداً هم عرض می‌کنم که به عقیده بنده ریاست کمیسیون باید به عهده یک نفر ایرانی باشد. بنده هم خیلی خوشوقت خواهم بود در این کار شرکت کنم نکات فوق را برای تشکیل خزانه دولت و احتراز از تحمیل‌های زائد عرض کردم؛ ولی اگر وضعیات مالی به این اندازه اضطراب‌انگیز هم نبود باز هم از توصیه به حضرت اشرف و هیئت وزراء عظام در پیروی این خط، که متکی به اصول عدالت و رویه اقتصادی سالمی است، خودداری نمی‌کردم.

مستشار مالیه

در حاشیه این یادداشت به خط آقای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء وقت نوشته شده است: با مندرجات این راپورت و اقداماتی که پیشنهاد شده است نیز این‌جانب موافق هستم و لازم می‌دانم وزارت مالیه ترتیب اقدام را بدهید و در صحبت‌های لازمه در هیئت وزراء نیز مذاکره نمایند. ۲۱ ثور ۱۲۹۹

وثوق‌الدوله

\* \* \*

یادداشت نمره ۴ حضرت اشرف آقای وزیر مالیه

۲۴۲

امروز در ساعت یازده به افتخار معرفی خود در حضور ریاست وزراء عظام ناائل گردیده و حضرت اشرف معظم‌له اجازه فرمودند که در تحصیل وسائل استخدام مسیو کابرت برای تصفیه امور مالیات ارضی اهتمام نماید؛ ولی، چنانچه سابقاً اشرف عرض داشته‌ام، مذاکرات من با وزیر هند و نایب‌السلطنه هند (به توسط مسیو متاکو) تاکنون نتایج سودمند نبخشیده و برای حصول این مقصود لازم است برای اینکه مسیو کابرت به خدمت دولت ایران واگذار شود از طرف دولت علیه تقاضای رسمی بشود و اگر مایل باشند ممکن است من، با سمت مأموریتی که از طرف دولت ایران دارم، فوراً با سر پرس کاکس داخل مذاکره بشوم. خدمات مسیو کابرت فقط از اول ماه نوامبر برای من مفید خواهد بود ولی مقصود بنده این بود که بلافاصله بتوان تلگراف نمود قرار کار را بدهم و مشارالیه را هم مسیوق نمایم.

امضاء، آرمیتاج اسمیت

مستشار دولت ایران، اقدام لازم بفرمایید. ۲۳ ثور ۱۲۹۹، وثوق‌الدوله

\* \* \*



حضرت اشرف آقای وزیر مالیہ، عالیجنابان! یہ ذرا مختصراً عرض کرتا ہوں کہ حکومت ہند نے جو اصلاحیں لائی ہیں، ان سے ہمیں بہت سی باتیں سیکھنی چاہئیں۔

با اینکه مدتهاست در دارالخلافه و ولایات، ادارات دولتی تشکیل و مأمورین رسمی دولتی در ادارات مزبور مشغول کار هستند، لہذا هنوز خدمت کشوری در ایران موضوع منظمی ندارد و بہ عبارت اخیری، تابع اصول منظمہ نیست؛ و حال آنکہ قبل از ہر کار دیگری باید بہ تدوین انتظامات خدمت کشوری بذل اہتمام نموده و نظامنامہ ہای متحدالشکلی ترتیب دادہ با کمال بیطرفی آنها را بہ موقع اجرا گذاشت۔ این است کہ، در ضمن این پیشنهاد، اصول قواعد خدمات کشوری را عرضہ می دارد تا حضرت اشرف عالی و ہیئت محترم دولت در این زمینہ تصمیمی اتخاذ فرمایند و، در صورت موافقت، دستور تسہیلات عملی اجرای آن، در ضمن پیشنهاد دیگری، تقدیم خواهد شد۔ این پیشنهاد شامل سہ قسمت ذیل است: اولاً طرز استخدام، ثانیاً شرایط خدمت، ثالثاً شرایط قبول در خدمت تقاعدی۔

اولاً طرز استخدام

قبلاً مراعات این نکته لازم است کہ در ہر یک از وزارتخانہ ہا یا ادارات دولتی خدمات مختلفہ درجہ بندی شدہ و متضمن رتبہ ہای مختلفہ باشد؛ مثلاً بعضی خدمات مثل کار ثبات مربوط بہ آشنایی و اطلاع از امور محدودہ و برخی دیگر قدری مشکل تر است۔ و بالاخرہ کارہای دیگری ہم ہست کہ مربوط بہ وظیفہ اداری و متضمن مسئولیت است کہ البتہ مستلزم کارکنان آزمودہ و مجرب است۔ اساساً از نقطہ نظر اداری آمال حد کامل آن است کہ بہترین اشخاصی کہ برای انجام کارہای اداری مناسب هستند بدون رعایت شخصیات و فقط نظر بہ نفع عمومی و مملکتی استخدام شوند؛ ولی باید دید برای وصول بہ آمال چہ تہذیبیاتی در وضعیات کنونی لازم است دادہ شود۔ تجربہ ثابت می کند کہ مؤثرترین وسایل نیل بہ این مقصود وسیلہ امتحان است کہ با اصول و سبک تعلیمات و مصارف مملکتی متناسب بودہ و ہر کس بتواند بہ این وسیلہ داخل خدمت بشود۔ در ممالکی کہ ترتیب تعلیمات بہ طور کامل دارد، یعنی محصلین بعد از مدرسہ مقدماتی بہ لیسہ (Lycée) و بعد از آن بہ اوپورسیتہ (université) می روند، بہتر است برای خدمات سادہ و آسان و داوطلبان را مطابق پروگرام امتحان مدارس مقدماتی و برای خدمات عالی تر، مطابق امتحان مدارس متوسط (Lycée) امتحان نمودہ و بالاخرہ برای خدمات بزرگ تر و پرمسئولیت تر از بہترین فارغ التحصیلہای دارالعلمہا و

اونیورسیتیه‌ها نخبه کرد؛ ولی البته این ترتیب مستلزم آن است که کلیه درجات تعلیمات در مملکت منظم‌اً دائر باشد؛ ولی، مطابق مذاکرات مختصر و مفیدی که با حضرت آقای وزیر معارف به عمل آمد، معلوم شد دوره مقدماتی در ایران به سهولت تحصیل می‌شود و، در حقیقت، عده کثیری برای تحصیل مدارس عالیہ تربیت می‌شوند ولی حقیقت... \* که در اروپا به اسم اونیورسیتیه دائر است عجالتاً معدوم یا نادر می‌باشد. و به این واسطه، ناچار تعقیب رویه فوق مشکل و وصول به آمال موقوف به ترقیات معارف در آتیہ می‌شود؛ ولی، در هر حال، موضوع امتحان نباید از میان برود و لایق‌ترین داوطلبان باید برای خدمت دولتی انتخاب شوند. و این اصول اساسی با کمال استحکام تلقی گردد که انتخاب اعضاء دوائر دولتی تنها از نقطه نظر منافع عمومی باید صورت گرفته و منافع خصوصی افراد اجزاء یا کسان و اقوام آنها بعدها در استخدام اجزاء تأثیری نداشته باشد. برای اینکه عجالتاً این نظریه معمول گردد پیشنهاد می‌شود که: اولاً از معلومات و اطلاعات داوطلبان شرایط امتحان به عمل آید تا اینکه اشخاص نالایق از انتقال مقامات اداری محروم گردند و بعد کمیته‌ای برای انتخاب و داوطلبانی که در امتحان قبول شده‌اند تشکیل یابد و این کمیته مرکب از سه یا چهار نفر عضو می‌باشد که از طرف وزیر مالیه (مثلاً معاون وزارتخانه) و وزیر داخله و وزیر معارف معین شوند. گذشته از اشخاص فوق، در صورتی که هیئت وزراء عظام مقتضی بدانند ممکن است یک نفر مستشار خارجی نیز در این کمیته شرکت داشته باشد؛ ولی در این باب بنده هنوز نمی‌توانم اظهار عقیده بکنم؛ لیکن، در هر حال، اعضاء کمیته باید کسانی باشند که ثبات آنها در حفظ منافع عموم، علی‌رغم نظریات دیگر، محررز و مشخص باشد. برای اینکه خدمت کشوری به اسلوب واحدالشکلی انتظام یافته و با اسلوب واحدی باقی بماند، به عقیده بنده، قطعاً لازم است که وزیر مالیه در این باب مداخله داشته و در حقیقت برای تعیین عده اعضاء در هر یک از درجات و میزان حقوق آنها تصمیم قطعی داشته باشد؛ زیرا فقط به وسیله کنترل مالیه می‌توان وحدت اصول استخدام را قائم و باقی داشت. و محتاج به تذکر نیست که حسن جریان و قوت اداره منوط و متکی به وحدت اصول و شرایط خدمت است.

(Sarkis) مقبول است. (۳۶۷) می‌باید به این نتیجه رسید  
بعد از آنکه کمیته مزبور از میان داوطلبانی که از معلومات خود به خوبی امتحان داده‌اند یک عده اشخاص برای خدمات آزاد در حدود صورت پرسنلی که قبلاً باید

تصریب شده باشد انتخاب نمود، لازم خواهد بود که امتحانات بدنی و اخلاقی نیز از داوطلبان بشود؛ و به این نظر، یک نفر طبیب به عضویت کمیته منصوب و داوطلبانی را که از امتحانات علمی گذشته‌اند از نقطه نظر صحت مزاج و اعضای بدنی آنها برای خدمات کشوری امتحان نماید و کسانی را که در حیث مزاج و بنیه قابل انجام وظایف اداری نباشند یا اینکه به واسطه ابتلاء به امراض مسریه ممکن است سلامتی همکاران خود را تهدید نمایند، بدون ترحم، طرد نمایند. کسانی نیز که به واسطه ضعف مزاج ممکن است نتوانند استمراراً و منظمأ در مدت حد متوسط عمر خدمت کنند باید رد شوند (در این باب به فصل آخر در باب حقوق مراجعه فرمایید). گرچه برای اظهار عقیده قطعی در باب مدت خدمت نبود [هنوز؟] اطلاعات بنده از وضعیات مملکتی کافی نیست، مع هذا، گمان می‌رود که برای درجات اولیه خدمت می‌توان در سن ۱۸ سالگی و برای درجات عالی‌تر از سن ۲۴ سالگی شروع و تا سن ۵۵ سالگی به طور طبیعی و معمولی کار کرد (در انگلستان معمولاً حد آخرین خدمت از ۵۵ سال هم زیادتر است). بعد از امتحانات بدنی و مزاجی، امتحان اخلاقی است که گرچه مشکل‌تر است ولی معمولاً به این ترتیب به عمل می‌آید که از داوطلبان باید تصدیقنامه حسن رفتار و حسن اخلاق خود را به امضاء مدیر مدرسه‌ای که در آنجا تحصیل کرده‌اند ارائه دهند و به وسیله یک نفر از اشخاص که به حسن شهرت معروف‌اند از حیث اخلاق و رفتار معرفی شوند. کمیته فقط باید از روی این تصدیقات در انتخاب داوطلبان اقدام نموده سفارش و توصیه دوستان را فراموش کرده و از هرگونه تأثیر و نفوذ خارجی اجتناب ورزد. و به کسانی که تصدیقنامه حسن رفتار رأی دهند البته متوجه این نکته خواهند بود که اگر داوطلبان به واسطه سوءاخلاق قبول نشوند در بدنامی آن داوطلب شرکت نموده و شهرت سوننی برای خود ذخیره خواهند نمود.

#### ثانیاً شرایط خدمت

در تحت عنوان فوق پیشنهادهای بنده راجع به مسائل ذیل است:

۱. اول - دیسیپلین و انتظامات اداری

۲. استاز

۳. حقوق اداری

۴. ترفیع رتبه

۵. ساعات کار

۶. مرخصی معمولی یا در نتیجه ابتلاء به مرض

۷. بقاء در خدمت

۱. دیسپلین: معمولاً تحدید اختیارات رئیس وزارتخانه یا اداره از حیث دیسپلین مشکل و غیرممکن به نظر می آید زیرا شخص وزیر است که مسئولیت عملیات وزارتخانه خود را در مقابل مجلس یا هیئت دولت دارد؛ ولی از نقطه نظر خصوصی، رئیس اداره باید اختیار عزل و انفصال هر یک از اعضاء خود را داشته و در مقابل خیانت و تقصیر آنها بدون ترحم از این اختیار استفاده نماید. و چنانچه کسی از اعضاء به اعتماد اداره نسبت به خود خیانت کرده وجوه دولتی را برداشته یا اینکه به عنوان تعارف و رشوه پول یا اشیاء دیگری از مردم قبول کرده باشد باید فوراً منفصل گردد و از تجدید استخدام او در دوائر دولتی مرکزی یا ولایتی ممانعت جدی به عمل آید و، به علاوه، راهپرت مشروحو مبنی بر جزئیات مطلب و علل انفصال به مجلس شورای ملی ارسال گردد. با این ترتیب، یعنی به وسیله اشاعه عملیات راجعه به انفصال اعضاء، امید است از اجحاف و ظلم احتراز شود. و نکته دیگری هم که احتیاطاً برای احتراز از اجحاف رؤسا نسبت به اعضاء باید رعایت شود، این است که اگر یک نفر از اعضاء مادون از طرف رئیس خود مأمور اقدامی شود و جداناً آن را مخالف ترتیب حقانیت می داند محق و مکلف خواهد بود که حکم کتبی از رئیس امر تقاضا نماید؛ و پس از تحصیل حکم کتبی، البته مسئولیت اداری و اخلاقی دامنگیر او نخواهد شد. به غیر از این تدابیر احتیاطیه، برای جلوگیری از بی اعتدالی نسبت به اجزاء، که اختیارات وزیر را در حقیقت محدود نمی کند، به عقیده بنده اختیارات وزیر محدود نخواهد بود و فقط در بعضی موارد عضو منفصل می تواند به هیئت وزراء یا ریاست وزراء اختصاصاً مراجعه نماید؛ ولی از آنجا که ممکن نیست یک نفر وزیر از کلیه جزئیات اداره خود مسبوق باشد، لازم است در این قبیل موارد با رؤسای اداره خود مشاوره نماید؛ و در باب صلاحیت یا عدم صلاحیت اجزاء تابعه، این قبیل مشاوره ها همیشه مفید خواهد بود یا اینکه بنده شخصاً با ترتیب دوسیه های کتبی مخالف هستم.

۲. استاز: داوطلبی که مطابق دستور فوق برای خدمات کشوری انتخاب گردد، باید بدو دوره خدمات امتحانیه راطی نماید. طول مدت این دوره، به عقیده بنده، ۲ یا ۳ سال باید باشد که بعد از آن حقوق داوطلب قطعاً معین می گردد. در هر حال، در تمام مدت

خدمات استاژ از رفتار و مراقبت و صداقت داوطلب باید کمال مراقبت به عمل آید. و بعد از انقضاء این مدت، حقوق خدمتی که از طرف رئیس اداره متبوعه برای او پیشنهاد می شود در صورتی از طرف وزیر تصویب خواهد شد که رئیس اداره یا اداراتی که داوطلب در آنجا خدمت کرده راپورت مساعدی نسبت به خدمت مدت استاژ او داده باشند.

تبصره: مقتضی است که باید داوطلبان جوان متناوباً در ادارات مختلفه به خدمت گماشته شوند که هم از امور مختلفه اطلاع حاصل نموده و هم ذهن آنها به خدمات اداری باز شود و هم ضمناً استعداد و صلاحیت آنها برای قسمت مخصوصی از خدمات اداری معلوم گردد تا بعد از طی نصف یا تمام مدت استاژ خدمت و کاری قطعی آنها محقق گردد.

۳. حقوق اداری: واضح است که برای مراتب مختلفه خدمات کشوری اجر و مزد متفاوتی باید منظور گردد ولی تعیین میزان تحصیل مواجب که برای هر یک مراتب باید پیش بینی شود به عهده اشخاصی است که بهتر از بنده از طرز معیشت داخلی در مرکز یا در ولایات اطلاع دارند؛ ولی اصولاً در تعیین میزان مواجها نکات ذیل باید رعایت شود: اولاً، در تمام ادارات و در داخله هر اداره مراتب و خدماتی که شبیه و قرین همدیگر است نباید مزد متفاوتی داشته باشد و هیچ چیز آنقدر برای اجزاء مورث عدم رضایت و دلشکستگی نیست که همکار و همرتبه خود را با حقوق گزاف تری ببینند.

ثانیاً، حقوق هر رتبه ای دارای حداقل و اکثر باید باشد که بدو میزان اقل آن تأدیه شود و در صورت ابراز لیاقت از طرف اجزاء، به وسیله اضافات سالیانه، متدرجاً به حداکثر برسد تا اینکه ترقی تدریجی میزان حقوق اسباب تشویق اجزاء به کار و سعی در خدمت بشود و از روی میزان مواجب هر یک از اجزاء می توان درجه قدمت و خدمت او را دانست.

ثالثاً، بر این مراتب حقوق اجزاء باید کافی باشد تا اینکه خادم دولت بتواند وسائل اعاشه خود یا خانواده خود را (در زمانی که معمولاً کفالت خانواده به عهده جوانها تعلق می گیرد) تأمین نماید و بالعکس نباید به واسطه عدم کفایت حقوق مستخدم دولت مجبور باشد که علاوه بر خدمت رسمی به کارهای دیگری در خارج بپردازد و مخصوصاً باید به نحوی ترتیب حقوق مستخدمین داده شود که از وسوسه توسل به طرق غیر مشروع یا مخالف دیانت مدنی در امان باشد: در مراتب و درجات متوسطه میزان



حقوق مأمورین باید برای نگاهداری آنها و خانواده آنها به طور متوسط کافی باشد و بالاخره در مراتب و درجات عالیه خدمات کشوری میزان حقوق طوری باشد که، علاوه بر تأمین اعاشه مأمورین، بتواند مقام و حیثیت خارجی آنها را محفوظ بدارد. در هر حال، حقوق عموم مأمورین به طور مساعده نباید تأدیه شود و در آخر ماه باید به آنها عاید گردد.

۴. ارتقاء از رتبه‌ای به رتبه‌ای تر: فقط از روی لیاقت باید صورت گیرد. در رتبه‌های مادون، که تکالیف مأمورین ساده و منوط به درجه‌آشنایی و سابقه داشتن آنها به کار است، ارتقاء رتبه مطابق لیاقت و قدمت خدمت توأمأ داده می‌شود؛ ولی در رتبه‌های بالاتر، که متضمن مسئولیتهای بزرگ‌تری است، موضوع تبعیت و قدمت خدمت کمتر باید محل توجه واقع شود؛ مثلاً در عالی‌ترین رتبه‌های اداری، که عبارت از معاونت وزارتخانه باشد، انتخاب فقط از روی لیاقت و امتیاز شخص باید صورت گیرد؛ ولی چنانچه از حالا تا یک شغل اداری، یعنی مثلاً ۳۵ سال این ترتیب در ادارات معمول گردد، ممکن خواهد بود که معاونین وزارتخانه‌ها هم از میان اشخاصی انتخاب شوند که به طور معمولی درجات مختلفه خدمت کشوری را پیموده و لیاقت تصدی این مقام را حائز شده‌اند؛ ولی فعلاً باید اذعان نمود که طور انتخاب این قبیل مأمورین باید به عهده وزیر گذاشته شود؛ و باید امیدوار بود که وزراء در این قسمت مشکل به وظایف خود، فقط منافع عمومی را در نظر بگیرند.

۵. ساعات کار: ساعات ورود و خروج هر یک از اجزاء وزارتخانه باید در کتابچه مخصوصی ثبت شود و هر یک از رؤسای شعب یا دوائر دفتر مخصوص باید برای اجزاء خود نگاهداشته و مرتباً، در مراجع معینه، به نظر رؤسای ادارات برسانند؛ ولی البته این اقدام چندان اهمیتی ندارد و مستلزم مداخله شخص وزیر نیست.

۶. مرخصی: برای حفظ سلامتی و صحت مزاج، لازم است مرخصی سالیانه معینی برای اجزاء تصمیم شود؛ و چون این مرخصی برای اصلاح مزاج اجزاء است باید تأکید شود که اجزاء هر ساله از مرخصی خود استفاده نمایند و مرخصیهای سالیانه را جمع نکرده بعد از چند سال تقاضای مرخصی کنند. مدت مرخصی هم مثل حقوق منوط به درجه و رتبه مستخدمین است و در مراتب عالیه که متضمن مسئولیت مهم است مدت مرخصی باید زیادتر باشد. و در موقع ابتلاء به مرض، در صورتی که طبیب معتبری تصدیق نماید، ممکن است اجازه غیبت به اجزاء داده شود؛ ولی در موارد منظونه ممکن



است مراتب به طیب رسمی وزارتخانه، که جزو کمیته انتخاب اعضاء است، مراجعه شود. وقتی که یکی از اعضاء مبتلاء به مرض مسری شود فوراً باید مراتب را راپورت داده و اداره هم به او اجازه بدهد که با استفاده حقوق خود تا موقعی که ممکن است به واسطه سرایت اسباب مخاطره برای دیگران بشود از خدمت معاف باشد.

۷. بقاء در خدمت: مقصود از پیشنهادهای فوق ایجاد خدمت کشوری در ایران و جلب ارباب هنر و فضل برای خدمت دولت است و وصول به این آمال ممکن نخواهد بود مگر در صورتی که مستخدم دولت، که سالها به درستی و صداقت خدمت کرده، از آتیه خود مطمئن باشد و بداند که تا وقتی که حال روحی و بدنی او مانع نباشد در خدمت خود باقی خواهد بود و به تفتن یا جانبداری وزیر و رئیس، رشته خدمت او قطع نخواهد گردید. باید اعتراف نمود که شخصی که به ترتیب فوق استخدام می شود، یعنی بدو از معلومات خود امتحان داده سالها استاژ اداری تحمل می کند و بعد به وسیله کمیته بیطرفی برای خدمت دولت انتخاب شده و با صداقت و حسن نیت سالها خدمت کرده در اعاده خدمات خود تا موقعی که قزای بدنی او اجازه می دهد ذیحق است و صرفه دولت نیز در این است که از چنین مستخدمی دست بردار نشود. و در صورتی که حال بدنی یا روحی او اجازه تعقیب خدمت دولتی را ندهد، البته بدون هیچ گونه تکذیب و ترتیب او را از خدمت خارج نماید. در هر حال، تشخیص عدم قابلیت با رئیس وزارتخانه و تشخیص عدم صلاحیت مزاج با طیب دولتی است؛ و در این صورت است که موضوع اخیر، یعنی حقوق تقاعدی، قابل توجه خواهد بود.

### ثالثاً: حقوق تقاعدی

وقتی که مأمورین تا سن مخصوصی تقاعد؛ یا تا وقتی که دیگر قابل خدمتگذاری [خدمتگزاری] نیست و صادقانه به دولت خدمت کرده، از وظیفه دولت است که وسایل اعاشه او را مادام الحیات تأمین نماید. میزان حقوق تقاعدی باید متناسب با سنوات خدمت و میزان حقوق مدت خدمت باشد و، همان طور که بر طبق مندرجات فوق، دولت مأمورین خود را از خدمات دیگر ممنوع داشته و تمام اوقات آنها را برای خدمات خود می خواهد، همان طور هم مکلف است زندگانی ایام پیری و بیچارگی مأمورین خود را نگاهداری کند. اساساً عقیده بنده این است که کسر میزان معینی از حقوق مدت خدمت برای تعیین محل حقوق تقاعدی رویه خوبی نیست؛ ولی از آنجا که اساس حقوق

تقاعدی باید فعلاً ایجاد شود اعمال این ترتیب ضرر ندارد و دولت می تواند صدی چند از حقوق مأمورین را، مادام خدمت، در مقابل حقوق تقاعدی آنها در آیه کسر بگذارد، مشروط بر اینکه مأمورین که قبل از سن تقاعد به واسطه خطاهای بزرگ یا بروز عدم دیانت از خدمت خارج می شوند به هیچ وجه از کسورات مزبوره استفاده نکنند. و، چنانچه حضرت اشرف عالی و هیئت محترم وزراء عظام پیشنهادهای فوق را که اصولاً نوشته شده تصویب فرمایند، البته تشکیل هیئتی برای تدوین قوانین و نظامنامه های خدمت کشوری اعلام خواهد شد. هنوز در باب اقتضای تقدیم این قوانین به مجلس و جلب توجه قوای مقننه به آنها، که یک موضوع سیاسی است، بنده مردد هستم؛ زیرا از یک طرف تصدیق مجلس شورای ملی بیشتر باعث اعتبار قوه آنها می شود؛ ولی از طرف دیگر، چنانچه در ضمن تجربه نواقص عملاً به نظر رسید تغییرات لازمه آن البته مشکل تر خواهد بود؛ ولی در هر صورت، موضوع خدمت کشوری از نقطه نظر اصلاحات مالیه اهمیت فوق العاده و عاجل دارد؛ زیرا هیچ وقت یک نفر وزیر مالیه [در] انجام پروگرام خود نمی تواند موفق شود مگر اینکه افراد و آلاتی که لازمه اداره دولتی است در دست داشته باشد. و وصول به اصلاحات در وزارت مالیه ممکن نخواهد بود مگر در صورتی که به سایر وزارتخانه ها و ادارات نیز تممیم یابد و عموم وزارتخانه ها و ادارات به طور واحدالشکلی تحت کنترل مالیه باشند؛ ولی البته موفقیت به این مرام مشکل و از عهده یک نفر خارج است. و اشخاصی که ایران و پایتخت آن را می شناسند و بایست صافی مایل به اجرای اصول اداره جدید هستند باید در وصول به این مرام شرکت و معاضدت نمایند و همین قدر اگر حضرت اشرف عالی گوشزد بفرمایند که این اصول تصویب شده و مجری خواهد گردید بدیهی است مقامات محترمی که بنده به سمت مستشاری آنها افتخار دارم و در خصوص وضعیات مملکتی و محلی ابصر از بنده باشند ممکن است تغییراتی را که لازم می دانند در اصول فوق بدهند. بنده اطمینان دارم که استماع این خبر به طوری در افکار عمومی حُسن اثر خواهد بخشید که تکیه گاه مؤثر معنوی برای دولت خواهد شد و آن وقت دولت خواهد توانست بلافاصله شروع به عملیات نموده از عهده مأمورین طهران و ولایات فوق العاده بکاهد؛ زیرا در قلیل مدتی که بنده وضعیات ادارات را مشاهده نمودم به خوبی به بنده ثابت شده است که عده اجزاء ادارات در مرکز و ولایات فوق العاده زیاد است و نظر به وضعیات مالیه مملکتی، قطعاً لازم است که به رفع این بلیه و تحمیل عمومی بدون فوق وقت و بدون هراس همت

گماشته: اولاً، کلیه اجزاء نالایق و ثانیاً کلیه اشخاصی را که برای خدمت اداره لازم نیستند، خاصه کسانی را که به وسایل ناشایست دارای شغل و حقوق شده‌اند، از خدمت خارج نمود و همچنین اشخاصی را که از نظر نقطه استعداد مزاجی یا اقتضای روحی لایق خدمت نیستند مرخص داشت. به طور خلاصه عرض می‌شود که، اصلاحات اساسی اداره با سه موضوع ذیل، که لازم و ملزوم یکدیگر است، انجام‌پذیر خواهد بود:

۱. اساساً تصویب پیشنهادهایی راجع به خدمت کشوری که در فوق توضیح شد؛
۲. تعیین هیئت کوچکی برای تهیه قوانین و نظامنامه‌ها خدمات کشوری که مجلس شورای ملی یا هیئت محترم وزراء تقدیم خواهد شد و عرضه داشت اقدامات به افکار عمومی؛
۳. تخفیف فوری عده اجزاء مرکز و ولایات بدون ترحم و بدون هراس.

سیدنی آرمیتاژ اسمیت مستشار مالیه دولت ایران

\* \* \*

یادداشت نمره ۹

موضوع: اداره بلدییه

۲۵۲

حضرت اشرف آقای وزیر مالیه، محترماً به عرض می‌رساند که: بنده بعضی اطلاعات راجع به وضعیت مالیه اداره بلدییه طهران به دست آورده‌ام؛ و چنانچه خاطر عالی مستحضر است بعدها طریقه‌ای را پیشنهاد خواهم کرد مطابق آن حکومت مرکزی... مالیات را به اختیار بلدییه واگذار نموده و اجازه بدهند که اداره مزبوره مالیاتهای مخصوص دیگری را هم به اهالی نسبت به منازل و باغها و سایر مستغلاتشان تحمیل نماید. فعلاً عدم امکان اجرای این ترتیب را بنده حس می‌کنم چون که خزانه‌داری کل اضافه عایدات مالیاتهای مزبوره را در کمک خرجی که اداره بلدییه حالیه از صندوق مرکزی دریافت می‌دارد از دست خواهد داد. بنابراین، فعلاً بر این پیشنهاد، که تغییر مقدماتی و در عین حال طریقی برای تشکیلات جدی و کامل آتیه است، قناعت می‌نماید. از قرار معلوم، چند ماه است که: اولاً، خزانه‌داری کل حواله‌هایی به عهده اداره مالیات طهران برای اداره بلدییه صادر می‌نماید (اگرچه اداره مالیات غالباً احکام مزبور را به موقع اجرا نمی‌گذارد)؛ ثانیاً، اداره بلدییه به هیچ‌وجه محاسبات خود را به وزارت مالیه نمی‌دهد. لہذا مفتخراً پیشنهاد می‌نمایم: اولاً، به اداره مالیات طهران قرض شود که وجهی به اداره بلدییه نپردازند؛ ثانیاً، به آقای خزانه‌دار کل دستور لازم داده شود من بعد بودجه اداره بلدییه را مستقیماً بپردازد و به اداره بلدییه هم احکام جدی صادر شود که در

آخر هر ماه، بدون تأخیر، محاسبات خود را به وزارت مالیه (دایره محاسبات) بفرستد؛ و قبل از دریافت محاسبات از پرداخت وجه امتناع نمایند. آن وقت، پس از رسیدگی به محاسبات، ممکن است فهمید که می‌توان در بودجه کل اصلاحی نمود یا خیر. در هر حال، می‌شود تفتیشی به نفع اهالی شهر و مخارج اداره بدمیه نمود.

\*\*\*

یادداشت نمره ۱۲، مورخ ۲۲ ماه مه فرنگی ۱۹۲۰، تمرکز عایدات

حضور مبارک حضرت اشرف آقای وزیر مالیه دامت شوکه، از مطالعه قانون تشکیلات مالیه مفهوم می‌گردد که یکی از وظایف خزانه‌دار کل وصول و ایصال و مرکزیت دادن تمام عواید دولت است. نظامنامه مزبوره خیلی مفید و به قاعده به نظر می‌آید؛ ولی خاطر حضرت اشرف را به این نکته متوجه می‌دارد که مدلول نظامنامه کاملاً رعایت نشده و پاره‌ای بی‌ترتیبها مشاهده می‌گردد که به کلی منافی حسن جریان یک اداره مرتبه است. به موجب اطلاعاتی که در وزارتخانه به این جانب داده‌اند، عواید متنوعه قرارداد امتیازات عمومی از قبیل معادن، جنگلها و غیره به وسیله خزانه‌دار کل تسلیم می‌نماید عاید خزانه‌دار دولت نشده و، به عکس، وزارت جلیله فواید عامه که مأمور اداره کردن عواید مزبوره است فقط فاضل عایدات را پس از وضع کلیه مخارج به خزانه‌داری تسلیم می‌نماید. این رویه به جهات ذیل ناپسند و نامطربح است: اولاً بودجه مملکت باید وضعیت کامل عایدات و مخارج را مصرح باشد؛ اگر فقط فاضل عایدات موضوع این یادداشت به خزانه‌داری تحویل و ارسال شود میزان عایدات و مخارج هر دو ناقص خواهد بود؛ دوم، به علاوه مخارج، وزارتخانه [را] که عهده‌دار اداره کردن عواید مزبوره است نمی‌توان تفتیش نمود. چیزی که برای ما ضروری و لازم است اولاً یک بودجه کامل، ثانیاً تفتیش کامل مخارج تمام ادارات است. بنابراین، محترماً توجوهای حضرت اشرف و هیئت وزراء عظام را جلب می‌نماید که سریعاً تعلیمات لازم راجع به متروک داشتن طریقه بی‌رویة فعلی صادر و امر فرمایند که وزارت فواید عامه تمام عایدات مطلق خود را به خزانه‌داری کل تحویل و ضمناً اسناد مثبته راجع به عواید مزبوره را بدانجا ارسال دارند. خزانه‌دار کل نیز باید مخارج کامل وزارت معزیه‌ها را (به طور مستقیم در صورت امکان) در آخر هر ماه به موجب بودجه‌ای که قبلاً از تصویب هیئت وزراء گذشته است، بپردازد.

یادداشت به خط آقای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء: فوری برای آقای وزیر مالیه اعاده نمایند؛ خودشان به آقای وزیر فوائد عامه ارائه نموده این ترتیب را اجرا دارند. در صورتی که بودجه وزارتخانه را هر ماهه بپردازند برای آن وزارتخانه هم سهل‌تر خواهد بود. اگر بعضی اشکالات عملی هم به نظر می‌رسد باید نمایندگان هر دو وزارتخانه با مستشار مالیه مشورت کرده حل نمایند.

۹۹/۳/۱۸ وثوق‌الدوله

آقای معاون کل، همین‌طور که مقرر فرموده‌اند، اقدام شود. اعتلاء‌الملک این اصول باید در تمام ادارات معمول گردد. اگر اجرای اصول مزبوره، که در قانون تشکیلات مطرح است، بدو برای وزارت فوائد عامه پیشنهاد شده که طبقه فعلی را متروک دارد، برای این است که بیشتر مطمح نظر است. در هر یک از ادارات دیگر، که نظایر آن یافت شود، باید به همین قسم اصلاح کرد. بعضی اصلاحات و تغییرات نیز باید در قانون تشکیلات هم بشود که بعداً پیشنهاد خواهم نمود. ولی، روی هم رفته، قانون تشکیلات قانون مفیدی است که اجرای سریع آن را متذکر می‌شوم.

مستشار مالیه دولت شاهنشاهی ایران، دفتر مستشار مالیه طهران ۲۵ ماه مه فرنگی ۱۹۲۰

\* \* \*

یادداشت نمره ۱۳؛ راجع به کشتار و مسلخ  
حضرت اشرف آقای وزیر مالیه، به موجب راپورت مفصلی که از آقای کلنل نیش راجع به وضعیت فعلی کشتار و مسلخ شهر طهران واصل گردیده، محترماً اصلاحات ذیل را که مستلزم تزید عایدات سالیانه این شعبه و ترفیه آسایش اهالی طهران از نقطه نظر استعمال گوشت و جلوگیری از خطراتی است که متوجه می‌شود پیشنهاد می‌نماید:

۱. کلیه چهارپایانی که برای کشتار وارد طهران می‌کنند باید، بدون استثناء، از محلی که برای تفتیش و معاینه دولت معین خواهد کرد عبور دهند. برای اینکه چهارپایان به محوطه مزبوره داخل شوند بی‌طار مفتش، که از طرف دولت مأمور این کار است، بانهایت دقت حیوانات مزبوره را معاینه و تفتیش خواهد نمود. عجلتاً حیواناتی که برای کشتار وارد طهران می‌کنند بدو آنها را به مسلخ برده پس از کشتار معاینه می‌کند و هر کدام که شرایط حفظ‌الصحه را وارد نیستند؛ دفن می‌کند؛ در صورتی که اگر قبل از کشتار معاینه شده بودند حیوانات ناسالم ذبح نشده به خارج شهر اعاده می‌شدند و به طور یقین

می توان گفت که عده زیادی از چهاربایان به واسطه این عدم مراقبت در سال بی جهت تلف می شوند. پیشنهاد این جانب ضرری را که از این بابت متوجه چوبدار و صاحبان چهاربایان می شود مرتفع خواهد نمود.

۲. تمام حیوانات که برای کشتار وارد می شوند باید حتماً بدون استثناء در مسلخ دولتی ذبح شوند. کشتار در جاهای دیگر اکیداً ممنوع خواهد بود. در موضوع گوسفندهایی که برای قربانی و عبادات مذهبی ذبح می شوند، چون ممکن است عقاید عمومی این استثناء را واجب شمارد از این جهت در موضوع مزبور اظهار عقیده ننموده استثناء از این ماه را منحصر به ذبح در مواقع قربانی می نماید.

۳. مصارف کشتار فعلی، که عبارت از سه شاهی حق الزحمه ذبح و یک قران مالیات ذبح باشد الغاء، و در ازاء آن، مالیات ذیل، که شامل حق کشتار نیز خواهد بود، برقرار خواهد شد:

الف. بره رأسی سه قران؛ ب. تمام حیوانات دیگر رأسی سی شاهی. نکته نظر این جانب از تقدیم این پیشنهاد این است: اولاً، از کشتار بره که اقتصاداً مقرون به صرفه نیست جلوگیری شده؛ ثانیاً، اضافه عایدی که تحمیل آن فقط به اغیاء خواهد شد برای دولت ذخیره شود؛ ثالثاً، تعرفه واحد و ثابتی، که شامل حق ذبح و مالیات ذبایح باشد، برقرار شود؛ رابعاً، عموم اهالی به اطاعت قانون تشویق و منع ذبح حیوانات را در خارج از مسلدخهای دولتی جداً الزام نماید؛ خامساً، چوبداران و فروشندگان حیوانات مجبور شوند که حیوانات مریض ناسالم [را] برای فروش و کشتار داخل شهر ننمایند.

۴. معافیت از تحمیلات فعلی را که به قصابهای گرجی شد دولت فحیمه واگذار شده و تاکنون از این بابت استفاده نموده اند، لغو بنماید. اقدام در موضوع مزبور چون ممکن بود تولید محظوری از نقطه نظر سیاست خارجی بنماید به طور خصوصی با جناب وزیر مختار دولت فحیمه انگلیس ملاقات نموده و خیلی مشعورم حضرت اشرف را مستحضر نمایم که جناب وزیر مختار فوراً موافقت نظر خود را در لغو امتیازی که به گرجیها داده شده بود اظهار نموده تا بتوان قانون ذبایح را تکمیل و اجرای آن را کاملاً تأمین نمود. با اینکه بدون داشتن احصائیه کامل خارج از اشکال نیست که بتوان قطعاً نتیجه و منافع اقتصادی پیشنهاد حاضر را اظهار نمود، لهذا هر یک از مواد آن، به طوری که ذیلاً اشاره می شود، به طور وضوح تزید عایدات را مستلزم خواهد بود:



۱. الغاء معافیت قصابهای گرجی تبعه دولت فحیمه انگلیس؛
  ۲. تزید مالیات بره که به اغنیاء تحمیل می شود؛
  ۳. اضافه نمودن تعرفه ذبایح از یک قران به سی شاهی
  ۴. مخصوصاً الزام به اینکه کلیه چهارپایان قبل از ورود به شهر در محلی که برای تفتیش معین می شود معاینه شوند؛
  ۵. یکی کردن مصارف کشتار و مالیات ذبایح.
- در صورتی که تمام مواد پیشنهاد حاضر کاملاً از روی صداقت و درستی به موقع اجرا گذاشته شود تصور می کنم تخمیناً از پانزده الی بیست هزار تومان در سال از این بابت به عایدات اضافه گردد.
- لازم است به اشخاصی که مخالفت می نمایند جرایم فوق العاده تحمیل شود چون موضوع تعیین تنبیه و مجازات مخالفین بیشتر راجع به اولیای وزارت جلیله عدلیه است لذا در این زمینه از تقدیم پیشنهادهای قطعی خودداری می کنم. بعضی معایب نیز از حیث محاسبه و اجزاء دایره ذبایح و مسلخها مشهود می شود که رضایتبخش نیست. امید می رود در ضمن اصلاحات اداری، آن معایب نیز مرتفع شود. پیشنهاد حاضر را با قید فوریت تقدیم می نماید زیرا عجالاً اقداماتی که مستلزم تزید عایدات است باید سریعاً اعمال گردد. اگر حضرت اشرف و هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم با پیشنهادهایی که تقدیم می شود موافقت دارند مقتضی است سریعاً شخصی را که به قوانین شرع بصیرت دارد و مأمور تدوین قوانین است، معین فرموده که در هیئت این جانب لایحه قانونی تدوین و تقدیم شود که در هیئت وزراء عظام تصویب گردد. مفتخراً مراتب خصوصی عقیده خود را تقدیم می دارم.

مستشار مالیه

تعیین یادداشت نمره ۱۳ - ۳۰ ماه مه فرنگی ۱۹۲۰

حضور مبارک حضرت اشرف آقای وزیر مالیه دامت شوکت،

۱. بر حسب میل و اراده آن حضرت اشرف، که دیروز فرمودید، مجدداً موضوع تعرفه راجع به معاینه طبی ذبایح را تجدید مطالعه نموده و از محظوظاتی که به واسطه ترقی دادن قیمت گوشت ممکن است تولید شده و موجبات اعتراض اهالی را فراهم سازد، متأثرم؛ ولی خاطر محترم را متذکر می شوم که ازدیاد یک مالیات هفت شاهی که این جانب پیشنهاد نموده ام (که در عوض یک قران و سه شاهی، سی شاهی مأخوذ شود)



خیلی جزئی است و، به علاوه، این مبلغ جزئی نیز مابین مشتریهای یک شوقگوسفند تقسیم می‌شود. در صورتی که حضرت اشرف و وزراء عظام با اطلاع کامل از کم و کیف مطلب موافق دستور باشند که قصابها ممکن است برای مختصر اضافه مالیات اسباب زحمت فراهم آورند این جانب نیز حاضر خواهد بود که پیشنهاد خود را تغییر داده دریافت سی شاهی را مبدل به یک قران و پنج شاهی نماید.

۲. در موضوع مطلب دوم، یعنی مالیات دریافتی از بره، متذکر می‌شوم که دو قران و دو شاهی مالیاتی که از هر قطعه پوست بره دریافت می‌شود مربوط به مالیاتی که باید از گوشت گرفته شود نیست. ممکن است تردید کرد که آیا مالیات پوست از فروشنده مأخوذ می‌شود و یا به طور غیرمستقیم خریداران پوست تأدیه می‌کنند؟ ولی، به طور قطع، خریداران گوشت بره هیچ شرکتی در پرداخت مالیات مزبوره نخواهند داشت. به عقیده این جانب، زیاد کردن مالیات گوشت بره به هیچ وجه پسندیده و خوشایند نیست و ممکن است که اشخاصی که با دولت ضدیت دارند این مسئله را دستاویز نموده صراحتاً یک مرتبه با اینکه مالیات مزبوره تحمیل کوچکی شود چون به اغنیاء تحمیل می‌شد موقع قبول دریافت با وضعیت چنین مالیه دولت وضع و ایجاد این قسم مالیاتها...<sup>۱۰</sup> به نظر من بی‌اندازه پسندیده است. به علاوه، فوق‌العاده اهمیت می‌دهم که عموم مردم ملتفت شوند که احساسات دولت بیشتر برای انجام و تأمین وظایف و تکالیف عمومی است و از این نقطه نظر است که این جانب الغاء انتشاراتی را که به چند نفر از اتباع دولت متبوعه من داده شده است پیشنهاد می‌کنم. در این صورت، از حضرت اشرف خواهش می‌کنم مراتب را به هیئت وزراء عظام ابلاغ نموده؛ ضمناً اشعار دارید بهتر آن است پیشنهادی را که این جانب به طریق ذیل تجدید نموده‌ام قبول و تصویب فرمایند: از هر بره دو قران و دو شاهی، مالیات و کشتار سایر حیوانات، روی هم رفته، رأسی یک قران.

مشترک دولت ایران

برای آقای وزیر مالیه بفرستید. این راپورت را یک دفعه دیگر در هیئت قرائت کردم؛ حکم اجرای آن را بدهند.

۹۹/۳/۱۸، وثوق‌الدوله

کابینه، به آقای معاون کل ارائه دهید. اعتلاءالملک

\*\*\*

مجلس شورای  
 در ۲۰ بهمن ۱۳۲۱

۱- When England  
 is the President of the Council of Ministers  
 ۲- ...  
 ۳- ...  
 ۴- ...  
 ۵- ...  
 ۶- ...  
 ۷- ...  
 ۸- ...  
 ۹- ...  
 ۱۰- ...

۱- ...  
 ۲- ...  
 ۳- ...  
 ۴- ...  
 ۵- ...  
 ۶- ...  
 ۷- ...  
 ۸- ...  
 ۹- ...  
 ۱۰- ...

نویسنده ای از دستخط آرشیو سازمان اسناد

یادداشت نمره ۱۵ مورخه ۲ ژوئن ۱۹۲۰

حضور حضرت مستطاب اجل اکرم آقای اعتلاء الملک وزیر مالیه، چند روز قبل مقرر فرموده بودید که با رئیس بانک شاهنشاهی ایران داخل مذاکره شده و قرار استقراض مبلغی معادل یک میلیون تومان برای دولت ایران بدهم. ضمناً استدعا نمودام که مقرر فرمایند اطلاعات کاملی در باب وضعیت فعلی مالیه ایران به بنده داده شود؛ به این معنی که معلوم دارند که دخل واقعی مالیه بالغ به چه مبلغ و نیز عایدات و مخارج دولتی در ماههای آتیه هذه السنه قطعاً به چه میزان بالغ خواهد گردید. مقصود این بنده از کسب این اطلاع این بود که اولاً، از رضیات فعلی اطلاع حاصل نموده؛ ثانیاً، به طور خصوصی مستحضر گردم که آیا عسرت فعلی موقتی بوده و پس از رسیدن فصولی که عمده مالیات در آن فصل اخذ می گردد این کسر دخل از میان خواهد رفت یا اینکه اساساً نسبت میزان مخارج دولت از عایدات خود افزون نباشد. امروز از طرف آقای رئیس دایره محاسبات خزانه داری کل پاره‌ای اطلاعات راجع به کسر دخل فعلی (که از قرار معلوم ششصد و سی و شش هزار تومان منهای وجوه موجوده در خزانه که در این باب اطلاعی داده نشده) و مخارج جاریه ماهیانه ملکی، که ارقام آن بالغ به یک کرویر و هفتاد هزار تومان قلمداد شده و مسلماً از دو ثلث کلیه مخارج دولتی کمتر است، به بنده ابلاغ گردید؛ راجع به عایدات، اطلاعات مزبور غیر مکفی می باشد زیرا اطلاعات مزبور فقط شامل عایدات خالص (عایدات کلی پس از وضع مخارج اداری) پاره‌ای عوارض از قبیل گمرکات، تلگرافخانه، تحدید تراباک، صندوق عدلیه، تذکره، دخانیات، امتیازات می باشد و راجع به عایدات اراضی و سایر عایدات غیر مستقیم اطلاعی داده نشده است. در صورتی که عایدات مزبور معتنابه و قابل ملاحظه می باشد. در جواب استیضاح بنده راجع به تعیین میزان عوائدی که از دو فقره مالیاتهای مهم به خزانه عاید خواهد گردید گفته شد که نمی توان امیدوار بود که عایدات مزبور، پس از وضع مخارج محلی، وجه قابلی به خزانه دولت عاید گردد. به علت اینکه اولاً، میزان مالیات فصولی ولایات غیر معلوم؛ و ثانیاً، غالب از ولایات در عوض آنکه فاضلی عایدات خود را به مرکز ارسال دارند کمک خرج به آنها داده می شود. با تصدیق اینکه اظهار مزبور رسماً و در عمل مقرون به صحت است و لکن در شغل غیر از این می باشد؛ زیرا غالب از ولایات، پس از وضع مخارج محلی، فاضل عایدات زیادی دارند که مطابق سیستم غیر مرتب فعلی در عوض آن فاضل عایدات از یک طرف به خزانه ارسال شود و از

طرف دیگر مخارج دولتی هم از طرف خزانه پرداخت گردد، برخلاف، مخارج حواله به محل شده و در کل از فاضل عایدات کارسازی می‌گردد. کلیتاً شرح اهمیت تمرکز دادن کلیه عایدات مملکتی به دست خزانه داری کل و پرداخت کلیه مخارج دولتی توسط اداره مزبوره را فعلاً زانندی می‌داند به علت اینکه مایلیم در راپرت حاضر جلب توجه حضرت مستطاب اجل را به مسئله دیگر، که پیش از این حائز اهمیت می‌باشد، بنمایم. بالاترین معایب تشکیلات مالیه ایران فقدان بودجه مرتب است. آنقدری که این بنده اطلاع حاصل نموده‌ام نواقص فعلی از قرار تفصیل ذیل می‌باشد:

اولاً، چندی قبل از شروع به سال مالیه، هیئت وزراء عظام بودجه بعضی از مخارج دولتی را تصویب می‌فرمایند و لکن ندرتاً مطابق آن عمل می‌شود، به علت اینکه اعتباراتی هم برای آن به تصویب که در واقع بر بودجه افزوده می‌گردد؛ ثانیاً، به وسیله تشکیلات موجوده درخواستهای کلیه ادارات را با بودجه‌ها و اعتبارات مصوبه تطبیق نمی‌نمایند؛ ثالثاً، به هیچ وجه من‌الوجه سعی نمی‌شود که در ماهیت درخواستها دقت و عطف توجهی نموده ایجاد مشکل را مراعات و مخارج غیرلازمه را موقوف نمایند؛ رابعاً، به هیچ وجه من‌الوجه کوششی در تنظیم و ترتیب عایدات یا مخارج به عمل نیامده است؛ و نه، در حقیقت، تاکنون نه از عایدات تحمیلی مملکتی صورتی موجود و نه اطلاعات لازمه برای تهیه و برآورد آن در دست می‌باشد. نتیجه این اوضاع اسفناک این است که الساعه از اطلاعات غیر مکفی که در دست است بهترین خدمتی که می‌توان کرد این است که دولت ماهی دویست هزار تومان کسر دخل دارد؛ یعنی ماهی دویست هزار تومان یا سالی پنج کرور بیش از عایدات خود خرج می‌کند و این کسر دخل مسلماً، روی هم رفته، جمع خواهد شد. و اگر چنانچه بلادرنگ به طریق فعلی یا، اگر بهتر بگوییم، به بدترین طریق فعلی خاتمه داده نشود. یگانه نتیجه این خواهد بود که مالیه مملکت به گرداب فنا رهسپار خواهد گردید.

از حضرت اجل عالی استعدادم که در این مسئله دقت نظر فرمایید که اگر چنانچه تمام وجه استقراضی لیره را که دولت انگلیس برای اجرای اصلاحات و غیره داده است برای این کسر دخل صرف شود در کمتر از دو سال تمام وجوه مزبور به مصرف رسیده و فقط نتیجه این خواهد بود که افزایش بر قروض خارجی ایران حاصل شده است. نتایج وخیمی که از این ترتیب دامنگیر مملکت خواهد شد محتاج به بیان نمی‌باشد. بهترین نمونه، عاقبت حال دولت عثمانی است. ورشکستگی ملی و قروض فوق‌العاده خارجی،

بدون شک، منجر به کنترل و نظارت خارجی خواهد گردید؛ استقلال و مملکت فدای طلبکارانی که حفظ منافع مملکت بدهکار برای آنها چندان مورد اهمیت نیست، خواهد گردید. فعلاً ما دست به دهن زندگانی می‌کنیم و هر موقع جیبمان تهی می‌شود برای استقراض به بانک رجوع می‌نماییم بدون اینکه بدانیم و یا اهمیت بدهیم که کی قادر به پرداخت قروض خودمان خواهیم گردید و یا اینکه علتی موجود باشد که ما را مجبور به قرض خارجی نموده و در حدود دخل خودمان زندگی می‌کنیم. علاج این وضع چیست؟ جواب این سؤال این است که هر چه زودتر باید تهیه بودجه نمود و طریق بهتر این است که از یک طرف نظارت تمام و تمامی از طرف وزارت مالی در مخارج کلیه وزارتخانه‌ها به عمل آمده و، از طرف دیگر، تعادل لازم بین دخل و خرج مملکتی داده شود. بنده نمی‌دانم که آیا کسی کاملاً مفهوم بودجه را بداند؟ مقصود از بودجه این است که: اولاً، تمام وزارتخانه‌ها کلیه مخارج خود را پیش‌بینی نموده و صورتی از آن تهیه نمایند؛ ثانیاً، از طرف وزارت مالی از نقطه نظر تعادل جمع و خرج جلوگیری از افراط و تفریط دقت کاملی در آن مخارج به عمل آورده شود. (امروز در ایران غالب مخارجی که می‌شود افراط و لازم و ملزوم حُسن اداره کردن مملکت نیست)؛ ثالثاً، پیش‌بینی هر نوع عایدات دولتی و تنظیم و ترتیب دادن منابع مختلفه عایدات این اقدام فقط در ادارات مالی با حضور و کمک مأمورین ادارات صاحب‌جمع اعم از ادارات مربوط به وزارت مالی یا خارج آن از قبیل اداره پست و تلگراف و غیره صورت‌پذیر خواهد بود؛ رابعاً، تعادل دادن بین عایدات و مخارج. این اقدام به دو طریق ممکن خواهد بود: طریق اول این است که از اساس وضعیت فعلی که کسر دخل موحشی موجود است شروع و به وسیله اتخاذ عوارض صده یا از دیاد مالیاتهای فعلی جبران کسر و دخل را فراهم نمود؛ طریق ثانی این است که آنقدر از مخارج اداری کسر نمود تا همین مقصود که تعادل دخل و خرج است حاصل گردد. مجدداً تکرار می‌نمایم که از طرف وزارت مالی نظارت مؤثری در مخارج وزارتخانه‌ها و ادارات به عمل نمی‌آید زیرا هیچ‌گونه سعی و اهتمامی برای معلوم نمودن عایدات دولت و تعادل و دادن آن عایدات با مخارج ملحوظ و مرعی نمی‌شود. بنابراین، در این امر اقدامی لازم است و این اقدام هم باید به فوریت به عمل آید. در این باب، این بنده دو فقره پیشنهاد معروض می‌دارم: اقدام اول، که از حیث اهمیت مقام اول را حائز است، این است که برای سنه آتی مالی، ۱۹۲۲-۱۹۲۱ سنه تخافوئیل، بودجه صحیحی تهیه شود. اقدام دوم، که از حیث فوریت نظر به ضیق وقت بر اقدام اول تقدم

دارد، تهیه بودجه برای بقیه سنه جاریه است.

۱. راجع به بودجه سنه آتیه پیشنهاد شده این است که در روز آخر سپتامبر ۱۹۲۰ حکم متحدالمالی به کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی صادر گردد که صورت کاملی از مخارج سنه آتیه خود که از ۲۱ مارس ۱۹۲۰ الی ۲۱ مارس ۱۹۲۱ باشد تهیه نموده و لااقل تا آخر ماه نوامبر به وزارت مالیه ارسال دارد. صورت مزبور اگر به طور کلی نوشته شود بیفایده خواهد بود بلکه مطابق فرم چاپی که مخصوصاً برای این کار لازم است تهیه شود. جزئیات مخارج به فصل و ماده باید شرح داده شود. صورتهای مزبور پس از وصول باید در شعبه‌ای که مخصوص این کار در خزانه تأسیس می‌شود در تحت دقت و ملاحظه باید آورده شود. اتحاد شکل باید در کلیه مخارج، چه بابت حقوق اعضاء و چه مخارج دیگر، موضوع گردد. در اعضاء ادارات بدون ملاحظه باید تقلیل داده شود (لااقل سی درصد). کارهای مکرر باید موقوف گردد. کلیه اداراتی که فعلاً وجود آنها لازم نیست باید منحل گردند و برای انجام این مقصود باید در کلیه وسائل اقتصادی بحث\* گردید. ضمناً حکم متحدالمالی باید به کلیه ادارات صاحبجمع (از قبیل ادارات گمرکات، پست و تلگراف، فواید عامه، ضرابخانه، خزانه‌داری کل و ادارات مالیه ولایات و غیره) صادر نموده هرچه زودتر و قبل از سیم (۳۰) نوامبر برآورد کاملی از عایداتی که وصول آن برعهده آنها محول است برای سنه آتیه تهیه و ارسال دارند. سپس وزارت مالیه صورت برآورد مخارج و عایدات را با یکدیگر تطبیق نموده عایدات را با مخارج و یا مخارج را با عایدات تعدیل نماید. (به عقیده بنده امروز طریق اخیر در ایران سهل‌تر خواهد بود چون مخارج قابل تغییر و به علاوه قسمت عمده مخارج کنونی شامل منافع عموم نمی‌باشد.) بنده نمی‌گویم که این اقدام اخیر هواخواه و طرفدار زیاد خواهد داشت بلکه بالعکس مورد ضدیت و برای اجرای آن جدیت و شجاعت لازم است. و نیز، بنده نمی‌گویم که این اقدام اشکالات و خطرات سیاسی را در برنخواهد داشت ولی بنده می‌توانم بگویم که مخاطراتی را که وضعیت فعلی متضمن است به غایت از احتمال خطرات اقدام در این امر بیشتر و اساسی‌تر می‌باشد؛ و تا اینکه اشکالات مرتفع نگردد و با خطرات مواجه نشویم سلامت مملکت تأمین نخواهد شد.

۲. آنچه که گفته شد برای بودجه سنه آتیه است و لیکن برای آگاه نمودن وزارتخانه‌ها







و ادارات مالیه در موضوع تهیه بودجه، لازم است که فوراً اقدامی به عمل آید. به عقیده بنده بهتر آن است که در بدو امر بودجه برای بقیه سنه جاریه تهیه شود. در باب تعیین مدت آن، عقاید مختلف خواهد بود و به نظر بنده بودجه نه ماهه از ابتدای ماه اوت ۱۹۲۰ الی مارس ۱۹۲۱ تهیه و تدوین گردد و تهیه آن در مدت ماه ژوئن و ژوئیه ممکن خواهد بود. و برای اجرای آن لازم است که تعلیمات فوری صادر گردد. بنده حاضریم که متحدالمآل و فورمهایی که برای این کار لازم است تهیه نمایم - جز اینکه به این طریق عمل شود برای هیچ مستشار مالیه که از مسئولیت خود در مقابل مملکتی که خادم اوست آگاه می باشد ممکن نخواهد بود که در مذاکرات برای هر نوع استقراض جدیدی داخل شود زیرا که این اقدام خیانت به اطمینان و وثوق می باشد - بنده به هیچ وجه تصور نمی کنم که وضعیت مالیه ایران غیر قابل اصلاح است بلکه، به عقیده بنده، با تشکیلات مرتب و صحت عمل در اداره کردن مالیه مرکز و ولایات در اندک زمان عایدات مملکت برای مخارج لازمه او تکافو خواهد نمود؛ ولیکن در تشکیلات دوایر مرکزی وزارت مالیه و ادارات مالیه ولایات تغییرات فوق العاده باید داده شود؛ و برای این مقصود وقت لازم است. تشکیلات فعلی را با کمال جد و دقت مشغول مطالعه می باشم و حاضر خواهم بود که به موقع خود پیشنهادات لازمه را برای اصلاح تشکیلات مراکز مالیه تقدیم دارم. اعزام مفتشین به ولایات شروع به این عمل می باشد. سیستم محاسبه و رسیدگی به آن باید تغییر داده شود. تمام این مسائل در نظر گرفته شده و مندرجاً اقدام در آنها به عمل خواهد آمد؛ ولیکن اقدامی که، به عقیده بنده، از همه چیز فوری تر و لازم تر است تهیه بودجه مرتب مملکتی است به نحوی که در فوق معروض گردید؛ و بنابراین، توجه مخصوص حضرت مستطاب عالی را به پیشنهادات معروضه فوق معطوف می دارم.

مستشار مالیه آرمیتاج اسمیت

فوری، این لایحه [را، که] فوق العاده صحیح و متضمن روح اصلاحات مالیه است، بدهید به آقای وزیر مالیه؛ اولاً، در جلسه آتیه هیئت وزراء قرائت شود؛ ثانیاً، اگر مقتضی بدانند برای آشنا کردن افکار در جراید درج شود؛ ثالثاً، فوراً شروع به اقداماتی که در این راپورت توجه شده است به توسط وزارت مالیه و سایر ادارات مربوطه شود.

۸ جزو ۹۹، وثوق الدوله

دفتر مستشار مالی، یادداشت شماره ۱۷ مورخه ۴ ژوئن ۱۹۲۰، راجع به تمرکز عایدات،  
موضوع: اداره تلگراف

حضور مبارک حضرت اشرف آقای اشرف آقای وزیر مالیه دامت شوکت، محترماً یادداشت شماره ۱۲ مورخ ۲۷ ماه مه ۱۹۲۰ در موضوع جمع آوری عوائد امتیازات و غیره به دست خزانه داری کل، که وزارت فوائد عامه مأمور اداره کردن آن است، متذکر شده؛ به علاوه، یادداشت شماره ۱۵ مورخ ۵ ژوئن ۱۹۲۰ را دایر به لزوم بودجه کامل به عمل آورده به پیشنهادهای محتوی که یادداشت فوق‌الذکر ترتیب اثر داده شود زیرا اصلاحات که به موجب یادداشتهای مزبوره پیشنهاد شده برای مملکت دارای اهمیت حیاتی است. در تعقیب تفکرات و مطالعاتی که در این زمینه نموده، مع‌التوقیر، پیشنهاد می‌کنم که اصول اصلی تمرکز عایدات به وسیله خزانه داری کل در موضوع اداره تلگراف نیز به موقع عمل گذارده شود. به موجب اطلاعاتی که به دست آورده‌ام اداره تلگراف، پس از وضع مخارج، در صورتی که فاضل عایدی داشته باشد به خزانه داری کل تحویل می‌نماید. مخارج و مصارفی را که تلگرافخانه مستقیماً به مصرف می‌رساند از قرار تفصیل ذیل است:

۱. مخارج اداری تلگرافخانه؛

۲. پرداخت مستمریات متفرقه؛

۳. پرداخت کسر دخل اداره پست.

این ترتیب به کلی بی‌قاعده است؛ اولاً، بایستی مخارج اداری به موجب بودجه باشد که یا از تصویب مجلس و یا در موقع تعطیل مجلس از تصویب هیئت وزراء گذشته باشد. بودجه مصوبه نیز باید در تحت حکم مستقیم خزانه داری کل تأدیه شود. بودجه اداره موضوع یادداشت حاضر و سایر بودجه ادارات دیگر باید در تحت نظارت حضرت اشرف به موقع اجرا گذاشته شود - از همه گذشته، پرداخت مستمریات به هیچ وجه مربوط به اداره تلگراف نیست. پرداخت این قبیل مخارج بر حسب اخفاء عایدات حقیقی تلگرافخانه را فراهم ساخته بی‌نظمی محاسبه مملکت را سبب می‌شود. مستمریات در صورتی که قانونی باشد باید به وسیله خزانه داری کل تأدیه گردد. به علاوه، از همه بی‌ترتیب‌ترین است که کسر مخارج یک اداره از قبل عایدی اداره دیگر تأمین گردد این ترتیب ورودیه نه تنها موجب اخفاء عایدات تلگرافخانه را فراهم می‌سازد بلکه علت و سبب کسر دخل اداره پست و مبلغ ضروری که در آن راه به دولت



تحمیل می شود ندانسته خواهد ماند - باید وضعیت فعلی هر یک از ادارات را به طور وضوح تعیین نمود. اگر اداره پست مبلغی مخارج در سال به دولت تحمیل می کند باید این رویه سریعاً تغییر یابد یا باید به قیمت محمولات پستی اضافه نمود و یا مخارج او را تعدیل کرد. با تقدیم این پیشنهاد، مقتضی است حضرت اشرف تعلیمات لازم صادر فرمایند که ادارات پست و تلگراف تمام عایدات مطلق خود را به خزانه داری کل تحویل نموده مخارج لازم را از خزانه داری کل دریافت دارند. به عبارت اخری، ادارات مزبوره نیز باید به همان قسم که در موضوع عوائد امتیازات و غیره پیشنهاد کرده ام، رفتار نمایند. چون پیشنهادات زائده بالتیجه مورث و موجب ایجاد بودجه کل برای مملکت است که هیئت وزراء عظام اهمیت فوق العاده و سریعی در این باب مرئی خواهند فرمود.

مستشار کل مالیه مملکت شاهنشاهی ایران، آرمیتاژ اسمیت  
باید در هیئت وزراء مذاکره و تصمیم لازم اتخاذ شود. به وزارت مالیه بفرستید، پس از تعیین تکلیف کابینه به هیئت بیاورند.

۱ سرطان ۹۹، وثوق الدوله

۲۶۷ به وزارت پست و تلگراف نوشته شود این وزارتخانه با مندرجات راپورت مستشار مالیه کاملاً موافق است و در آتیه اگر از این مسائل روی داد ممکن است بین دو وزارتخانه تبادل افکار شود.

معاون وزارت مالیه، عیسی

[۱۱۰۳۸ تا ۱۱۰۲۶ - ن]

شوشگاه [۱۱] انی و مطالعات فرنگی

[درخواست مفاصاحساب ده هزار لیبره ای که در اختیار آرمیتاژ اسمیت بوده است]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت: ۲۶۸

تاریخ ارسال: ۲۱ حمل ۱۳۰۱

وزارت جلیله مالیه

از سفارت انگلیس صورت حساب و اسناد راجعه به مبلغ ده هزار لیبره را که در مأموریت مستر آرمیتاژ اسمیت به لندن به مشارالیه اعتبار داده شده بود فرستاده و تقاضا

نموده‌اند به محاسبه مزبوره رسیدگی شود و مفاصدا داده شود. عین مراسله آرמיٹاژ اسمیت و اسناد مزبور را لفاً فرستادم که قدغن فرمایید به فوریت رسیدگی نموده نتیجه را هرچه زودتر اشعار دارند که جواب مراسله سفارت داده شود.

[۱۱-۶۱۲/۴]

[۱۲]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت: ۷۲۰۷

تاریخ ارسالی: ۷ میزان ۱۳۰۱

وزارت جلیله مالیه

در تعقیب مراسله نمره ۲۴۳۹ راجع به احتساب مبلغ ده هزار لیره که سابقاً برای پاره [پاره‌ای] مخارج به اختیار مستر آرمیٹاژ اسمیت گذاشته بود، لزوماً اشعار می‌شود: در صورتی که صورتحساب ارسالی مشارالیه را وزارت مالیه تصدیق می‌نماید مفاصاحساب آن را تهیه و ارسال فرمایید که به توسط سفارت برای مشارالیه فرستاده شود. و چون مدتهاست این موضوع مطرح است قدغن فرمایید زودتر اقدام نمایند.

[۴-۶۱۲/۴]

[۱۳]

شعبه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل

۱۳۰۱ عقرب سنه نیت ایل ۱۱ به تاریخ

نمره ۲۴۳۹ ضمیمه دارد

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

در تعقیب مرقومه نمره ۷۶۸ آن مقام منبع راجع به مبلغ ده هزار لیره که به اختیار مستر آرمیٹاج اسمیت، مستشار سابق مالیه، گذاشته شده بود، اینک محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که: مطابق صورتحسابی که سوادای از آن لفاً تقدیم می‌شود، مشارالیه مبلغ مزبور را به مصرف رسانیده است. نظر به اینکه در آن زمان اختیاراتی برای مخارج محاکمه و غیره به مستر آرمیٹاج اسمیت داده شده، به عقیده وزارت مالیه مقتضی

است که پس از تصویب آن مقام منیع و صدور اجازه احتساب مبلغ معروض به تقاضای مشارالیه صادر گردد.

[در حاشیه:] سابقه ۵/۱۶

ظاهراً مراسله سفارت را هم، وزارت مالیہ فرستاده‌اند. ضمیمه نمایید؛ جواب تهیه شود.  
[۴/۶۱۲-۹]

[۱۴]

[نامه سر پرسی لورن در خصوص مبادله عکس بین اسمیت و قوام‌السلطنه]

سفارت انگلیس، قلهک

۷ جولای ۱۹۲۲، ۱۶ سرطان ۱۳۰۱

فدایت شوم، خرسندم از اینکه جوقاً یک قطعه عکس مستر آرمیتاژ اسمیت را، بر حسب خواهش معزی‌الیه و بر حسب وعده‌ای که قبل از حرکت از طهران داده بودند، برای جناب اشرف ارسال دارم. مستر آرمیتاژ اسمیت در کاغذی که به دوستدار نوشته‌اند از داشتن عکس جناب اشرف خیلی اظهار خرسندی نموده‌اند. لهذا معزی‌الیه امید دارند که از قبول عکس جناب ایشان را قرین افتخار خواهید فرمود. زیاده تصدیع نمی‌دهد.

پرسی لورین

[۴۵۰۷۸-ن]

[۱۵]

ریاست وزراء

فدایت شوم، رقیمه شریفه ۷ جولای متضمن یک قطعه عکس که مستر آرمیتاژ اسمیت، حسب‌الوعده به توسط جناب مستطاب عالی برای دوستدار ارسال داشته‌اند، زیب و وصول داد. خواهشمندم مراتب امتنان این‌جانب را به ایشان ابلاغ و یادآوری فرمایید که اوقاتی را که در مصاحبت ایشان گذرانیده‌ام فراموش نکرده اینک هم عکس ایشان را مثل بهترین یادگار قبول می‌نمایم.

[قوام‌السلطنه]

[۵۰۷۷-ن]



عکس از قوام السلطنه همراه با عباس قلی میرزا اعزاز السلطنه (۱۸ نوامبر ۱۹۲۳) [۸۰۹-۸۱]

[۱۶]

**[مکاتباتی در خصوص موجود نبودن نسخه کنترات آرمیتاژ اسمیت در هیئت وزراء]**

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت: ۱۳۶۸۱

تاریخ ارسال: ۶ حمل ۱۳۰۲

ریاست محترم کابینه وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه شریفه، که تقاضا فرموده بودید بعضی از نسخ انگلیسی کنترات



مستر آرمیتاژ اسمیت به کابینه وزارت جلیله امور خارجه ارسال گردد، اطلاعاً زحمت می دهد که کتترات مزبور در کابینه ریاست وزراء موجود نیست؛ ممکن است برای تحصیل سواد به وزارت جلیله مالیہ مراجعه فرمایند.

[۴/۶۱۲-۲] ۱۳۰۲/۱۲/۲۷

\*\*\*

۱۳۲۱-۹۲-۱۱۹

وزارت امور خارجه

اداره کابینه

ریاست محترم کابینه وزراء عظام

تمنی است سوادى از اصل عبارت انگلیسی کتترات مستر آرمیتاژ اسمیت مستشار سابق مالیہ ایران به اداره کابینه وزارت امور خارجه ارسال دارند که به وزارت مالیہ فرستاده شود.

[در حاشیه:] آرشیو، اگر در ضبط دوسیه دارد بدهید سواد تهیه شود. ۱۲/۲۷

در کتترات اصل یا سواد چیزی نیست. ۱۲/۲۸

۲۷۱

[۴/۶۱۲-۲]

[۱۷]

[درخواست عودت کتابچه ای که در اختیار آرمیتاژ اسمیت بوده است و یافته نشدن آن]

وزارت مالیہ

اداره: تفتیش کل

دایره: احصائیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به تاریخ: ۱۴ برج سنبله ۱۳۰۲

نمره: ۲۳۹۹۱

سال جامع علوم انسانی

مقام منبع ریاست وزراء عظام دست شوکته،

با کمال احترام، مصدع می گردد: از قرار مسموع، در موقع ورود آرمیتاژ اسمیت مستشار سابق مالیہ به ایران، از طرف آقای وثوق الدوله کتابچه [ای] راجع به اوضاع مالی و اقتصادی ایران تهیه و به مشارالیه داده شده بود. از آنجایی که کتابچه مزبور طرف احتیاج دایره احصائیه این وزارتخانه است، تمنی است مقرر فرمایید، در صورتی که کتابچه مزبور در آرشیو ریاست وزراء عظام موجود باشد، سوادش را به این وزارتخانه ارسال فرمایند؛ و چنانچه موجود باشد، مقرر فرمایید که سوادى از تمام آنها به وزارت

